

اگر قائل نشدیم بعکس مکوم می‌ماند ولو ث می‌شود.

بر هیچکس پوشیده نیست و تردیدی نیست که این قضیه در مملکت ما، در مجلس شورای ملی ما، خیلی تأثیر بخشیده و من بسیار از دوات متشکرم که این حقایق را تا این اندازه درجرا بدم منتشر کردند، خوب کاری کردند که منتشر کردند و باز تشکر می‌کنم از آقایان برای اینکه اهمیتی برای این موضوع و این جرم که به نظر من از قتل نفس مهمتر است - قائل شده‌اند و يك طرحی آورده‌اند و يك اهميت خاصی به این داده‌اند، چرا؟ برای اینکه اگر افراد اشخاصی را می‌کشند، مرتکب قتل نفس می‌شوند؛ این در بسیاری از موارد قابل اغماض، یعنی قابل تخفیف است؛ ولی اگر کسی برای حیات مملکت سوء قصد داشته باشد، یعنی برای اینکه حیات مملکت خودش را، استقلال کشورش را ازین ببرد، این به نظر بنده دردنبای امروز که در قوانین کیفری مجازات جانی و اعدام ممنوع است به نظر من چنین فردی را باید با قیچی گوشتش را قطعه قطعه بکنند (بعضی از نمایندگان - صحیح است) و بایستی اعلام کرد که خانواده این و کسی که در خانواده او این شخص تربیت شده، بسیار قصور در تربیت او نموده و مادام العمر این خانواده باید از حقوق اجتماعی محروم باشد. [؟]

اما مطلبی که بنده می‌خواستم به عرض آقایان برسانم و مخالفتی که بنده با يك نکته از این کار دارم، این است که قانون اساسی می‌گوید که قوه قضاییه و قوه مجریه نمی‌بایستی در کار هم دخالت بکنند، زیرا مسؤولیت لوث می‌شود و قاضی خواهد گفت که نماینده مجلس در ضمن رسیدگی مصونیت داشت، نفوذ داشت و ما نتوانستیم کار را پیش ببریم و نماینده مجلس خواهد گفت که من رفتم آنجا و قاضی ضعف نفس بخرج داد و مطلب لوث می‌شود. بین اینکه مجلس در این کار دخالت کرده بین نمایندگان منتخب با قوه قضاییه یعنی قضایی که در آنجا هستند، علیهذا با این مقدمه‌ای که عرض شد و دوستان عداوتی بنده هم همینطور متذکر شده‌اند. پیشنهادی بنده تهیه کرده‌ام و خوب است که آقایان امضاء

کنندگان این طرح باتفاق به آن رأی بدهند. پیشنهادی که بنده دادام این است که سه نفر از رؤسای شعب دیوان کشور به انتخاب هیأت عمومی دیوان کشور معین شوند، این سه نفر با نظارت و مداخله شخص مدعی العموم، آقای حائری که بسیار قاضی ورزیده و شرافتمند و قوی است، رسیدگی کنند. در ظرف يك ماه فی الفور رسیدگی بکنند به دلایل اتهام و برای هر کسی رأی مقتضی بدهند و همین قدر که دلیل کافی بود فی الفور او را بازداشت بکنند، توقیف بکنند و اگر مصونیت دارد، سلب مصونیت از او بکنند (صحیح است) و بعد در توقیف نگاهش بدارند تا خاتمه کار و تعیین کیفر در آن محکمه عالی (صحیح است) این است که توقع و خواهش از دوستان عزیزم این است که اگر می‌خواهید از مجلسین کسی باشد، بعنوان نظارت یعنی مراقب و ناظر، آن را انتخاب کنید؛ اما پرهیز کنید از اینکه از نمایندگان شورا و سنا بعنوان قاضی مأمور رسیدگی باشند (صحیح است). بنده عرض می‌کنم که صد در صد موافقم با این قضیه، آقایانی هم که اعضاء کرده‌اند موافقت دارند، ولی به این ترتیب که عرض کردم این رأی بدهید که اجرا شود.

نایب رئیس - آقای ارباب موافقت؟

ارباب - اجازه بفرمایید يك توضیحی بدهم.

نایب رئیس - بفرمایید.

ارباب - مسلماً کسی نیست که موافق نباشد با رسیدگی به چنین امری که خیانت کامل محسوب و همکاری با اجنبی است. اجنبی در دنیا به هیچ ملتی دوستی نکرد، در موقع احتیاج تبسم سیاسی نشان داد، بعد که نتیجه گرفته آن خدمت را بهیچوجه منظور نداشته، بلکه تمسخر هم کرده است؛ این طرحهایی که اینجا مطرح می‌شود، چنانچه در اجرای آن توجه نشود، می‌بیتید مطالب لوٹ می‌شود و نتیجه‌ای که انتظار دارید شاید تا چند سال بدست نیاید. اینطور خیانتها را باید يك دادگاه فوق‌العاده رسیدگی کند و همین اندازه وقتی که به دنیا و به کشور و به مردم بوسیلهٔ جرایم مسلم شد اعلام کنند که زید خائن به مملکت است. این بالاترین جرمی است

که ارتکاب شده و بالاترین کیفری است که به این ترتیب خواهد دید و همه مردم او را نکه دار می شناسند؛ اما به جریان داد گاههایی که ذکر می شود وقتی افتاد، طرف ادعا، تکذیب می کند؛ تکلیف و تکذیب از دلیل می کند، به یک مرحله می افتد و آن شهادت را از قضات گرفته اند، کدام قاضی باشهادت است که بیاید و یک حقایقی را بگوید و یک دستگامی هم باشد که آن قاضی را تقویت کند و اعقاب و اولاد او را حفظ کند در مقابل حوادث جاری؟... این اصل هنوز در کشور ما متأسفانه تقویت نشده است (شوشتری- بطور کلی نفرمائید) بطور کلی خیر... الان ما استثناً قاضی با شرف داریم، قاضی صحیح داریم، که نمی گذارند اظهار عقیده بکنند، استقلال کامل قاضی را هر وقت تصویب کردند، این قضایا پیش نمی آید، اصلاً این قضایا همه ناشی از ضعف قضایی کشور است و الا کدام ایرانی است که در مقابل قدرت قانون جرأت بکند برود با بیگانه و اجنبی همکاری بکند (شوشتری- ایرانی اصلاً نمی کند) نمی تواند بکنند، بنابراین پیشنهادی بنده داده ام و عقیده خودم را در آن اظهار می کنم و بیش از این وقت آقایان را نمی گیرم.

عده ای از نمایندگان- احسنت.

نایب رئیس- دو پیشنهاد کفایت مذاکرات رسیده قرائت می شود (بشرح زیر قرائت شد).

تیسرورتاش- بعد از یک موافق و مخالف، به کفایت مذاکرات رأی گرفته شود.

ناظرزاده (متنی)- در همین زمینه از آقای جمال امامی پیشنهادی رسیده است.

تیسرورتاش- بفرمائید آقای جمال امامی...

نایب رئیس- آقای جمال امامی...

جمال امامی - مثل تمام موضوعات به نظر بنده داریم باز از اصل قضیه منحرف

می شویم. این موضوع را وقتی ما مطرح کردیم منظورمان مراحل قضایی نبود؛

منظورمان این بود که این پرونده ها مصون بماند از دستبرد؛ و یک مرجعی باملاجایی

تعیین بکنید که نظارت بکنند، که خدای نکرده در این پرونده ها دست نبرند.

منظر زمان این بود که بعد برود به دادگاه قضاوت بکند، دیوان کشور و یاسا پرداد گاهی رسیدگی قضایی آن به ما مربوط نیست. خلاصه این بود پریروز ما اصرار کردیم؛ برای این بود که این منتشر نشود، روزنامه آتش، این آتش طرفدار دولت است (معاون نخست وزیر - نه قربان چنین چیزی نیست . . . طرفدار دولت نیست) اینکه طرفدار دولت است نرفته این اوراق را روی میزی پهن می کنند و چند نفری هم که ارتباطی با مطبوعات نداشته اند مقداری از این اسناد را به سرقت می برند و شایع است که این اسناد را به قیمتهای گزاف خرید و فروش می کنند؛ بنابراین راست با دروغ این برای این بود که جلوگیری از این انتشارات بشود، هم برای دولت و هم برای مجلس شایسته نیست که این انتشارات داده بشود؛ حالا آوردیم قضیه را به فرنج گرفتار کردیم.

مانظرمان این است: اول این پرونده ها را بیاورید در يك مركز مصونی نگهدارید، تحت نظرهیات نگهدارید، آن هیاتی که مورد اعتماد شماست، بعد هم آن هیاتی که می خواهید رسیدگی کنند؛ آن پرونده هایی که لازم است بفرستید به دیوان دادگستری و دیوان کشور (آن دستگاهی که وزارت دادگستری صلاحیتش را تشخیص می دهد) آن دیگر به ما مربوط نیست، والا شما که نماینده هستید که هر پرونده ای را می توانید از دولت بخواهید؛ آقایان تصدیق می کنند بنده خودم هم می توانم این کار را بکنم؛ محتاج برای مجلس و تصویب نبود. هر و کیلی می تواند؛ من خودم می توانم هر وقت بگویم این پرونده ها را بیاورید؛ من خواستم؛ تصدیق بکنید آقایان که این پرونده ها بیاید در کمیسیونهای دادگستری مجلسین با حضور وزیر دادگستری و دادستان دیوان کشور آنجا رسیدگی بکنند؛ دولت هم اگر باز می خواهد نماینده دیگری بفرستد، گوا اینکه وزیر دادگستری و همینطور دادستان دیوان کشور هم نماینده دولت هستند، با حضور این آقایان، این پرونده ها را رسیدگی بکنند و ببینند اگر منطبق با جرم می شود؛ اینها را احاله بدهند به دادگستری؛ یا منطبق با خیانت می شود احاله بدهند به دادگستری یا منطبق با هتك حیثیت می شود که يك جنم ممکن است نه جرم کرده باشد نه خیانت کرده باشد؛ ولی این عملی که کرده لایق

يك و كیل نباشد؛ آنها بیایند در مجلس بگویند؛ که آقایین آدم این کار را کرده؛ و خیانت نیست؛ جرم نیست؛ (شوشتری - ترك اولی است) ولی از يك نماینده مجلس شورای ملی ایران شایسته نبوده است (صحیح است) منظور من این بود؛ حالانصوب و تصدیق می فرمایید دولت هم اینجا حاضر، وزیر داد گستری حاضر، وزیر کشور هم حاضر، وزیر داد گستری و وزیر کار هم حاضر، معاون نخست وزیر هم حاضر؛ من می گویم آقایین پرونده ها را از اینجا بروید بفرستید به اینجا تحت نظر کمیسیونهای داد گستری مجلسین بماند نارسیدگی بکنند؛ دیگر بیش از این صحبت نکنید و حرفی هم ندارد.

تیمورتاش - این حرف محمل است والا يك عده دیگر را هم آلوده می کند (زننگ نایب رئیس).

نایب رئیس - آقای تیمورتاش استدعای کنم انتظامات را آقارعبایت بفرمایید، بفرمایید آقای نبوی . . .

تهمت یا واقعیت؟

نبوی - بنده عرضی که کردم، عرایض اصولی بود و همیشه معتقدم که در هر موقع ما باید خون سردی را از دست ندهیم و کار را مطابق اصول و قانون اساسی عملی بکنیم. آن اخطاری که کردم مطابق قانون اساسی است که متأسفانه آقای رئیس وارده ستند، حالا وارد این موضوع نمی شوم؛ اگر هر چند روی غرض و یا انجام که متأسفانه در مملکت ما خیلی زیاد است به اشخاص نسبتهایی را دادند، ما نباید نه عصبانی بشویم و نه اصول زیر پا بگذاریم که در نتیجه يك طرحی تنظیم بکنیم که قابل اجرا نباشد؛ ضمانت اجرایی هم مثل ما نداشته باشد؛ در خارج هم خوش نما نباشد خلاصه این طرح این است که وقتی آقایان رسیدگی کردند در معرض افکار هم میهنان عزیز بگذارند. خیال می کنم که اگر اسامی را در روزنامه هم نوشتند و مخالف حیثیت من هم بود، این نباید باعث این بشود که من بیایم اینجا يك طرحی را تنظیم بکنم و اصول را زیر پا بگذارم، چون اسم من است این وظیفه مجلس نیست. این مملکت بر از اتهام و افترا است و مجلس شورای ملی جای قضاوت

نیست. مجلس سنا جای قضاوت نیست؛ داد گستری داریم؛ دولت داریم؛ تشکیلات داریم؛ هزار میلیون خرج این تشکیلات می‌شود. با این طرح نشان می‌دهیم که بدهمهٔ دستگاه اعتماد نداریم؛ این يك کار من در آوردی است و این کار بی‌بجور جد صحیح نیست (شوشتری - آقای وزیر داد گستری بروید پشت تریبون بگویید) (زننگ نایب رئیس...)

(قبادیان - بنا بر این اقرار نیست) اقرار است؛ به عرض بنده توجه نفرمودید آقای قبادیان، بنابراینکه قاعده این است هر کس مطالبی اظهار می‌کند باید آذوقتی باشد که رسیدگی شده باشد، ولی روی این جریان که در مملکت است و روی اطلاعاتی که هست، بنده بطور قطع عرض می‌کنم که تمام این نسبتها دروغ است و خالی از حقیقت.

آقا، شرکت نفت اگر پول بدهد در دفترش که نمی‌نویسد، اگر پولی بگیرد و خیانت بکند که سند دست نمی‌دهد (تیمورناش - معاون نخست وزیر خودش تصدیق کرد) اسمی از وکلاء نبرد معاون نخست وزیر (دکتر مجتهدی گفتند - سنا تور هست) چنین چیزی نیست (تیمورناش - این حرفها چیست، گفتند از وکلاء هست) بنده بیشتر بدم که عصبانی شوم (شوشتری - الان آقای هیئت باشو و بگویید) اگر دولتی که می‌تواند کار بکند، صریحاً نمی‌گوید این يك حرفی است. ولی اگر اینطور نیست چرا دارند قضیه را لوٹ می‌کنند؟ این صحیح نیست، بنده مخالف نیستم به اینکه این جریان رسیدگی بشود (دکتر مجتهدی - پس معاون نخست وزیر دروغ گفته؟ ...) بنده عرض کردم که مخالف نیستم، آن پیشنهادی که آقای کشاورز - صدر کردند، آن نظری که آقای دکتر هدایتی فرمودند، کاملاً صحیح است، بنده هم رأی می‌دهم و موافقم که به همین طریق عمل شود، ولی بیش از این وسیله بدست مردم و روزنامه نویسیها اشخاص مغرض ندهید که فردا به ما بگویند که پرونده‌هایی بود و از دست دولت خارج کردند و الا مطابق اصول شما لایحه تنظیم کنید، اول بنده رأی خواهم داد. بنده عرض کردم پیشنهاد آقای کشاورز صدر بسیار صحیح است؛ پیشنهاد آقای دکتر هدایتی بسیار صحیح است؛ پرونده‌ها را از دست اشخاصی که خیال می‌کنند وسیلهٔ سوء استفاده قرار می‌دهند خارج کنید؛ بنده بسیار موافقم (دکتر -

مجتهدی - آقا! اگر شما موافقید بیاید بنشینید راد عملی آنها را پیشنهاد کنید) اجازه بدهید عرض کنم: گوش کنید: آقایان از این نگرانند که ممکن است این پرونده‌ها و این اسناد دست يك عدد مفروض بینند و آنها این را پیراهن عثمان کنند و هر روز بريك عددی بازند؛ بنده با این فکر آقایان کاملاً موافقم؛ بیاید از این فکر جلو گیری کنید؛ ولی این راهش نیست؛ کاری نکنید که بصورت بدتری در بیاید و ما را زیادتر از این گرفتار کند.

نایب رئیس - آقای وزیر کشور...

جمال امامی - آقای وزیر کشور برو... اینها را بیار اینجا ما را خلاص کن. وزیر کشور - البته هر تصمیمی که آقایان و کلاء بگیرند، ما مطیع آن هستیم و هیچ مخالفتی نداریم، البته آن تصمیمی را که بگیرند صلاح می‌دانند، اما جریان بدان اندازه که سروصدا کرده نیست (تیمورتاش - دولت خودش اهمیت داد) دولت هیچوقت اهمیت نداد (همه‌هه نمایندگان) اگر نمی‌خواهید صحبت کنم، بروم، دولت چه اهمیت داد؟ می‌گویید يك مقدار کاغذ، يك مقدار نوشتجات، هست، مثلاً فرض کنید يك مدیر روزنامه‌ای از يك شركتی یا از يك شركتی یا از يك اداره اطلاعاتی يك کاغذی را گرفته نوشته است، این جرم است؟... (شوشرقی - من نمی‌دانم اعلانی نوشته پولش را گرفته است) از آن گذشته مطابق معمول و مقررات عمومی وقتی گفتند فلانجا اتفاقی افتاده البته دادستان دخالت می‌کند و ضابطین خودش را دعوت می‌کند، در این کار و اینها می‌روند می‌نشینند اگر آقایان این را کافی نمی‌دانید می‌خواهید از مجلس هم اشخاصی بیایند و بنشینند و رسیدگی بکنند مانعی ندارد و الا اینکه بیاید بگوید اینها دروغ است و دروغ درست می‌کنند، به نظر بنده این شأن همان مأمورین کوچک دولت هم نیست - چه چیز را دروغ درست می‌کنند، اگر يك اسنادی پیدا شد و عکسش را برداشتند اصلش را در یکجا مضبوط کردند، بعد هم به نظر مردم و به نظر مجلس رسانند این چه عیب دارد؟... (تیمورتاش - ما همین را می‌گوییم) این چه عیب دارد؟... این کار دارد

جریان پیدای کند. بنده خودم هیچ این اوراق را ندیدم اما وقتی نماینده دادستان می رود. ضابطین هم می روند. آنوقت می گوید که در فلان روز نامه نوشته شده است. این راست یا دروغ همیشه روزنامه نویس این حق را دارد، هر جا هر اطلاعی پیدا می کند بگیرد؛ حالا راست یا دروغ می نویسد؛ آن يك حرفی، اما اینکه آقای شوشتری می فرمایند اینطور نیست. اینها يك جریانی هست و دارد رسیدگی می شود، اگر کافی نمی دانید هر طور بفرمایید عملی می شود، عصبانیت و آشفتگی به نظر من عیب خود ماست. در هر حال بنده پشت این تریبون عرض می کنم که ما مطیع مجلس هستیم و هر چه از مجلس بگذرد ما آنرا اجرا می کنیم (شوشتری). آقای رئیس اجازه می فرمایید، بنده چنین عرضی نکردم) و بخصوص بنده اطلاع دارم که جناب آقای وزیر دادگستری يك کمیسیون عالی در دادگستری انتخاب کرده اند و يك نفر هم دادستان عالی رتبه نمی دانم با چه رتبه ای مجدداً تعیین کردند که بدین کمیسیون اضافه شود (تیسورتاش - منظور افشای این اسناد است از اول تا آخر) این يك مقدار کاغذی است که نمی شود در دو روز رسیدگی کرد، بایستی عکسبرداری کنند، بعد بدهند به جرایم. ما می خواستیم که به کسی نشان بدهیم؛ و از گنجی این مسائل را باین قدری حوصله کرد.

شوشتری - اخطار دارم.

نایب رئیس - آقای وزیر دادگستری.

منجه ای - ایشان يك مقام رسمی هستند در این باب باید توضیحات کافی بدهند، اینها محفوظ است یا خیر؟ ...

نایب رئیس - مگر آقای وزیر کشور مقام غیر رسمی بودند؟ ... بفرمایید آقای وزیر دادگستری ...

وزیر دادگستری - عرض کنم این قصه همانطور که آقای وزیر کشور توضیح دادند، در خارج بیشتر از آنچه هست اهمیت داده اند، اگر چه بنده خودم ندیده ام (پناهی - اهمیت را معاون نخست وزیر و رادبو دولتی داده ...) (شوشتری - عیب

همین است که وقتی شما وزیر کشور تکذیب می‌فرمایند که ما ندیدیم، این عیب پیدا می‌شود) بله، ماهم در ابتدای امر گفتیم وزیر دادگستری با وزیر کشور صلاحیت ندارند اوراقی را که در يك جایی توقیف شده است، آن اوراق را ببینند، يك مأمورین صلاحیت‌داری هستند برای این کار.

بنده آنچه را که اطلاع پیدا کردم، يك خبری رسید که يك مقدار اوراق مربوط به اطلاعات شرکت نفت سابق بدست آمده و يك نماینده‌ای از دادسرا فرستاده شود، برای مهر و موم کردن آن، بنده دادستان را خواستم و به دادستان گفتم یا خودتان بروید یا يك شخصی که طرف اعتماد است از طرف خودتان بفرستید، به نظر بنده هم قضیه خیلی عادی آمده، نمی‌دانم از توی آنها چه خواهد در آمد؟... دادستان نماینده خودش را فرستاد؛ بعد پرسیدم چطور شد؟... گفتند بله، رفتیم، مهر و موم کردم... بعد معلوم شد که يك قسمت از این اوراق رفته بوده است به خانه یکی از مأمورین شرکت سابق نفت، گویا اسمش سدان بوده است. او را هم مجدداً دادستان نماینده فرستاد، در این قسمت دوم از اولش دادستان وارد شد، ولی قسمت اول البته وقتی که در دست افتاد خبر دادند نماینده دادستان رفت لذا در قسمت اول بنده نمی‌توانم خودم مطمئن باشم. باید به ایشان اطمینان بدهم که يك اشخاص غیر مسؤولی در اینها دست برده باشند. این را بنده نمی‌توانم اطمینان بدهم؛ ولی در قسمت دوم چون آن پرونده در منزل سدان بود و نماینده دادستان اگر نبود مأمورین راه نمی‌دادند، نماینده دادستان رفته و مهر و موم کرده است.

برخورد سدان و نخست‌وزیر

در شب در هیأت دولت جناب آقای نخست‌وزیر دستور دادند و مذاکره شد در اطراف این موضوع، که کمال دقت باید در اطراف این کار بشود، حتی از مجلسین هم نمایندگان اشخاصی باشند، حضور داشته باشند. تا کاملاً به آنها بررسی بشود و صورت‌برداری شود و حتی چند صندوق در منزل سدان را که دست نخورده بود، برای اینکه کلیدش

را نداده بود و رفته بود. به آقای نخست‌وزیر شکایت کرده بود و آقای نخست‌وزیر فرموده بودند که این صندوقها مال اداره است یا مال شخصی توست؟... اگر مال اداره است باید به‌مأمورین دولت تسلیم کنی و اگر مال شخص تو است کارها و اوراق و اسناد اداره در منزل تو چه می‌کند؟... چرا برده‌ای؟... حتی فرموده بودند که شما اگر آن کلیدها را دارید به‌مأمورین صلاحیت‌دار بدهید آنوقت من از شما استعالت می‌کنم و اگر ندادید تخلف کرده‌اید... آنوقت به من فرمودند که ما از دیوان کشور هم يك اشخاصی را در اینجا دخالت بدهیم. امروز بنده ابلاغی صادر کردم. این ابلاغی است که به دادستان کل صادر کردم.

جناب آقای دادستان کل، بر حسب نظریات دولت از لحاظ اهمیت فوق‌العاده قضیه مقتضی است برای نظارت عالی در کمیسیونی که با شرکت دادستان تهران برای رسیدگی به اوراق مربوط به اداره اطلاعات شرکت سابق نفت ایران تعیین گردیده شخصاً حضور داشته باشید (نمایندگان احسنت، بسیار خوب است) این را معین کرده‌ایم که ایشان به آنجا بروند و يك نفر از قضات عالی‌مقام دیوان کشور هم باتفاق ایشان باشد، البته دخالت دادستان کل رسمیت و صلاحیت دارد، زیرا دادستان کل کشور نظارت عالی بر تمام عملیات مربوط به صلاحیت دادرها دارد و این کار هم چون دادرها دخالت داشت، ایشان می‌توانند به اقتضای آن صلاحیت کلی که دارند، و آن نظارت کلی که دارند در آنجا حاضر بشوند و امعان نظر بکنند، ولی شرکت يك نفر از دیوان تمیز. این البته مطابق مقررات در این قبیل موارد نیست. این يك نفر فوق‌العاده است، بطور خصوصی که ایشان آنجا باشد، و الا صلاحیت دادستان کل دیوان کشور است که نظارت عالی بر کلیه امور دادرها دارد.

(اسلامی - يك سمت دادراری دیوان کشور به آن قاضی بدهید) این کار را ما انجام دادیم حالا آقایان نمایندگان هم هر تصمیمی اتخاذ فرمایند و این بصورت قانون در بیاید متبع و مجری خواهد بود.

اسلامی - همین تصمیم دولت کافی است؛ جلسه قبل ما می‌خواستیم که دادستان

کل باشد، حالا هست.

نایب رئیس - پیشنهاد کفایت مذاکرات داده شد و موافق و مخالف هم صحبت کردند، باید رأی بگیریم، آقایان بیرون تشریف برده‌اند و عدد برای رأی کافی نیست (شوشتری - بنده اعتراض دارم) آقای شوشتری تقاضا می‌کنم توجه بفرمایید... (شوشتری - در اعتراض من تحریف شده است، طبق ماده ۹۰ اجازه می‌خواهم) باید رأی گرفته شود به کفایت مذاکرات (شوشتری - اجازه بدهید من عرضم را بکنم، تحریف شده در بیانم، من کی همچو حرفی زده‌ام).

چند نفر از نمایندگان - بفرمایید اسامی آقایانی که خارج تشریف برده‌اند، برای یک مرتبه در جلسه قرائت شود.

نایب رئیس - قرائت می‌شود (به شرح زیر قرائت شد).

آقایان: عباسی، دولت آبادی، منصف، دکتر راجی، دکتر طباطبائی، دکتر نبوی، ناصر صدری، سودآور، موقر، فرامرزی، دکتر مصباح زاده، خزیمه علم، دکتر برال و اسلامی رفته‌اند یا در آنجا نشسته‌اند؟...

نایب رئیس - چه رفته باشند و چه نشسته باشند و به هر صورت اسامی مطابق آیین نامه در مجلس قرائت می‌شود و مطابق مقررات هم آقایان جریمه می‌شوند (شوشتری - اجازه بفرمایید من عرضم را بکنم...) (دکتر مجتهدی - اعلام رأی شده) بفرمایید آقای شوشتری.

بیانات آقای شوشتری - به عنوان ماده ۹۰ آیین نامه

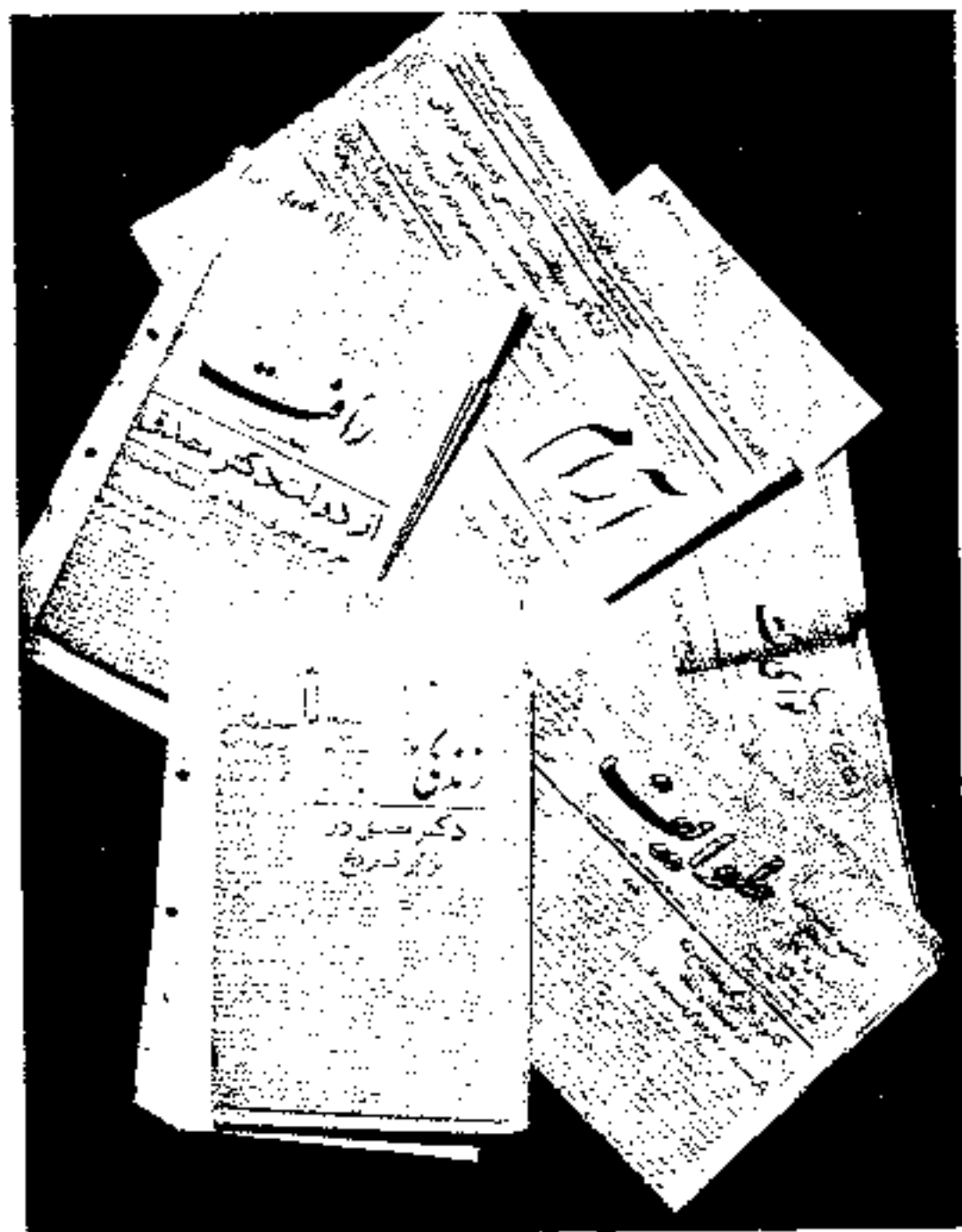
شوشتری - بازم بسم الله الرحمن الرحیم، عرض بنده از نظر ثبوت قضیه و رفع موضوع بود که اینکه نسبت داده باشم به کسی که این کس این اسناد را ساخته - اعم از دولت و غیر دولت - آقای فاطمی هم اینجا تذکره دادند، عرض اصولی من با ارادت تامی که به همه آقایان بمضاء کنندگان دارم و مکرر مورد تعرض جناب آقای تیمورتاش واقع می‌شوم که تو که بیشتر علاقه مندی چرا مخالفت می‌کنی؟...

عرض می‌کنم يك جهت داشت و آن این بود که وقتی شما می‌فرمایید که وزیر کشور و شخص آقای وزیر دادگستری علی‌هیست که من نسبت به او ارادت دارم و اهل علم است ایشان به (لو) فرضیه که بفرمایند که من ندیدم، من که يك بیسوادم چطور می‌توانم بگویم که فلان آدم ساخته یا نساخته، من هم به (لو) فرضیه عرض کردم که آقایان ممکن است در این موقع باریك نگذارند ماسرمان فارغ باشد، فکرمان فارغ باشد، و نتوانیم مقاصد ملی خودمان را اجرا کنیم. هیچوقت اهل این نیستیم کسی را نسبت بدهم، کاغذ ساخته، مگر اینکه پیش من محقق بشود که این شخص کاغذ ساز است. ولی يك جمله است که الآن در بیانات و فرمایشات آقای وزیر کشور این بود که فرض کنید اگر رسیدی در آمد که چهار روزنامه اعلان شرکت سابق را گرفتند، و درج کردند عوض صد تومان و هزار تومان گرفتند اگر این را فرض کنیم این را بنده جرم نمی‌دانم، روزنامه‌هایی که باید اداره بشوند خرج دارند، بنده که از اینجا صاف و پوست کنده می‌گویم برای من روزنامه می‌فرستند، خیلی هم زیاد می‌فرستند، ولی به جدم قدرت پرداخت آبروئهٔ روزنامه را ندارم و نمی‌دهم؛ هر چه هم بفرستند به جدم نمی‌دهم؛ ندارم. این روزنامه‌ها فرض کنیم دروغ است؛ من این را می‌گویم، فرض کنید اگر به روزنامه‌هایی چه شرکت غاصب نفت؛ چه شرکت‌های دیگر، پول داده باشند این گناه نیست، ولی همانطور که آقای کشاورز صدر اظهار کردند، اگر خدای نخواسته با فرض تصور و ترك اولایی از يك نماینده‌ای، یا نماینده سنايي، یا وزیري شده باشد این ترك اولی مورد اعتراض است ولی اگر از افراد عادی سر بزنند مورد اعتراض نیست. اما اشخاص مسؤول که تماس با مردم دارند ناپسند است، به عقیدهٔ بنده آن عرضی که من کردم این جوابی که آقای وزیر کشور...

نایب رئیس - در مادهٔ ۹۰، اگر بخواهم تمام بیانات سابق را تجدید بفرمایید که نمی‌شود.

شوشتري - ایشان فرمودند که آقای شوشتري گفته است که يك عده این اسناد را ساخته‌اند؛ من این عبارت نگفتم و گفتم بر فرض مثل فرشتجاتی که

چند روزنامه که متپم بدطرقداری از نفتی ها شده اند



حقیقی چند بطورمتحدالمآل در باره نفت در یکجمله از روزنامه های وزین نفتی منتشر می شود. اصل مقالات را اداره اطلاعات شرکت سابق نفت تهیه می نموده است و البته برای درج آنها حق الزحمه مناسبی پرداخت می شد. اسناد موجود است.

عده‌ای ممکن بود مزاحم کسانی بشوند، این سوء تفاهم بایستی مرتفع بشود ، بالاخص وقتی که دو نفر وزیرمسئول خودشان بطورتأکید بکث قضیه‌ای را نمی - گویند ، من توی روزنامه دیدم ودلم نمی‌خواهد برخلاف حقیقت حرفی بزنم چطورممکن است چنین کلمه‌ای گفته باشم؟... بناء علیهذا امیدوارم که هم ایشان وهم مردم وهم مجلسین قانع شده باشند که ممکن است در این اموریگمره تفاهمی شده باشد ممکن است اصلاً، این اموراانشاءالله منطبق باواقع نیست وهیچ ایرانی آلوده نیست.

نایب‌رئیس - اعلام رأی شده ، موضوعی که باید به‌عرض آقایان برسد این است که درجلسات آینده سرساعت ۹ زنگ‌زده خواهدشد.

جمال امامی - پس اجازه بدهید که بک توضیحی به آقای وزیردادگستری بدهم که این موضوع اینطورنماند.

نیمورتاش - صحیح است اجازه بفرمایید.

جمال امامی - آقای وزیردادگستری بیایید اینجا، تعهد بفرمایید که آن اوراقی را هم که درتحت نظرتان نیست تحت نظر بگیرید.

وزیردادگستری - عرض کردم از امروز دادستان کل دخالت کرد ، بنده از تاریخی که دادستان دخالت کرده است هیچگونه نگرانی ندارم به دادستان کل هم از امروز که بنده ابلاغ کردم دخالت خواهد کرد، شاید امروزتوانند بروند آنجا، نمی‌دانم بعدازظورها هم است یا نه؟... اما ازفردا حتماً درآنجا خواهند بود واگر بعد ازظورها هم آن اوراق مورد رسیدگی باشد ، حتماً ایشان حضور خواهند داشت (بهداری - همه اوراق با آنچه که درخانهٔ سدان بوده است؟...)

آنکه دست خورده، بنده نمی‌دانم که دست خورده یا نخورده آنوقتی که مأمورین شهربانی رفتند تحقیقات کرده‌اند. قبل از دخالت نمایندهٔ دادستان آنهم باید تحقیق بشود که کی آنجا دخالت کرده‌است وازاین اوراق آیا برداشته شده یا نه؟... آنجا باید مورد رسیدگی واقع بشود.

شوهری - البته جناب آقای هیئت تمام جزئیات کارهای اول باید تحقیق شود و رسیدگی شود، ممکن است يك اوراقی را هم چپانده باشند؟ . . .^۱

حمله، و دفاع

باتصویب ماده و واحده و فوریت‌های سه گانه آن، بحث و گفتگو در باره اسناد کشف شده در مجلس شورای ملی نه فقط پایان نیافت بلکه با شدت و حدت بیشتری دنبال شد. پس از اینکه مطبوعات مذاکرات نمایندگان مجلس را در صفحات خود منعکس کردند و گروهها، احزاب، دستجات و در نتیجه روزنامه‌های موافق و مخالف هر گروه به بحث و بررسی این سخنان پرداختند، با توجه به اینکه هر نشریه اظهارات فرد حامی یا مورد حمایت خود را با شاخ و برگ بسیار منعکس کرده، به تحسین و تأیید آن می‌پرداخت، در حالیکه یا حمله و ایراد بر سخنان مخالفان آتش جنجال و تشنج را تندتر می‌کرد.

وقتی یکی از روزنامه‌های سیاسی عصر یکی از نمایندگان (لیدر گروهی از مجلسیان) را متهم کرد، که قصد ازین بردن و معدوم ساختن اسناد را دارد، مذاکرات جلسه به در مجلس به این امر اختصاص یافت.

در جلسه ۱۳ تیر ۱۳۳۰ هنگامی که تصویب صورت جلسه مذاکرات نشست قبلی (جلسه شماره ۱۶۴) مطرح بود، جمال امامی در جواب سر مقاله روزنامه باختر امروز که نوشته بود: جمال امامی می‌خواهد مدرک را ازین ببرد به دفاع از خود پرداخت که شرح آنرا می‌خوانید:

جمال امامی - بنده در صورت جلسات مجلس گذشته و مجلس قبل توضیحاتی دادم چون در خارج مثل همیشه غلط منعکس شده است، ناچارم توضیح بدهم. عرض کنم که خداوند حس تشخیص را از يك ملتی نگردد و همینطور حس

انصاف‌درا، چون وقتی حس تشخیص را گرفت، يك جامعه‌ای همیشه غلط قضاوت می‌کند، و رفتی حس انصاف‌درا گرفت، همیشه معرضانة.

مادر جلسه قبل و جلسه قبل این‌جا راجع به این مدارك و اسناد چه گفتیم؟... شخص من چه گفتم؟ . . . آقای دکتر فاطمی تشریف داشتند، و ذراعهم تشریف داشتند، گفتم که اگر يك دولت انقلابی هستید، می‌خواستید این مدارك را در معرض افکار عمومی بگذارید، صلاح و اصلح این بود که تمام مخبرین جرایم، تمام مخبرین خارجی و داخلی، را دعوت بکنید و در این کار شرکت بدهید.

من که دفاع از مخبرین جرایم کردم گفتم در اختیار يك دسته و صنف معینی قرار ندهید، این سوءظن ایجاد می‌کند و گفتم اگر يك دولت غیر انقلابی هستید این را به يك مرجع مطمئنی واگذار بکنید، تا به مرحله نهایی قضایی خودش برسد. من نمی‌فهمم آقایان مخبرین جرایم طرح سومی دارند که از این مطمئن‌تر باشد؟ . . . بعضی از روزنامه‌ها باز برداشته‌اند به من فحش داده‌اند که این می‌خواهد این اسناد را ازین ببرد . . .

نایب‌رئیس- آقای امامی راجع بصورت جلسه بفرمایید.

جمال امامی- این صورت جلسه است.

نایب‌رئیس- مربوط بصورت جلسه نیست.

جمال امامی- هست، بر شما صورت جلسه است. اینطور قلب می‌کنند (با

ارائة يك روزنامه) این آقا دکتر است، برداشته و نوشته است که جمال امامی

می‌خواهد این مدارك را ازین ببرد... من عرضم را چگونه توضیح بدهم، جز اینکه

اعتراض بکنم در صورت جلسه؟... این آقای دکتر فاطمی اگر اینجا هست یا نیست

به او بگویید که آقا يك طرح سوم شما ابداع بکنید، بدهید که من بدهم به مجلس،

من عقلم بیش از این نرسید، شما که عقلمان می‌رسد، بدهید.

ضمناً من از آقای دکتر فاطمی گله‌مندم. من به ایشان يك روز ضمن پاسخ عرض

کردم که معاون نخست‌وزیر هستید، شما دیگر روزنامه‌نگار نیستید و عضو جبهه ملی

نیستید؛ شما مأمور مجلسید و باید مراعات مجلس را بکنید و مراعات موقعیت خودتان را بکنید؛ شما نباید بردارید اینجا بنویسید، توضیحات وزرای کشور و دادگستری گویند بیشتر از این جهت ادا شده است که روی آتش تشنج و ناراحتی بعضی افراد که بی‌تابی از خودشان نشان می‌دادند آب سرد پاشیده باشد. این بیان شما نیست، شما این را امروز نمی‌توانید بنویسید. دیروزی می‌توانستید بنویسید، اما امروز معاون نخست‌وزیر نباید این را بنویسد.

مخالفت و کارشکنی

مذاکرات بعدی و گفت‌وشنودهای نمایندگان مجلس نشان داد که موضوع اسناد مکشوفه به آن سادگیها هم، که با يك طرح سه فوریتی بسامان برسد نیست، بلکه همه این مباحثات مقدماتی بود؛ بر پرواز اختلافات شدیدتر و دامنه‌دارتر که یکی پس از دیگری جلوه گر شد.

همزمان با این جلسات دیوان داورى «لايه» تیز کار خود را آغاز کرد و بیش از پیش بر گرمی بازار داغ «نصت» و مبارزات ایران و انگلیس افزوده بود. نگاهی به مذاکرات جلسات بعدی مجلس شورای ملی، می‌تواند تا حدود زیادی روشن‌گر واقعیات و انگیزه‌های برخورد جناحهای مختلف باشد.

مخالفان، ماجرای کشف اسناد را فرصتی دانستند، برای حمله هرچه بیشتر و شدیدتر به دولت وقت، تا آنجا که نه فقط اصولاً وجود اسناد را تکذیب می‌کردند بلکه معتقد بودند، این نیز «هی» و «جنگال» تازه‌ای است که از طرف دولت وقت عنوان شده، تا حقایق دیگر را از نظر مردم پوشیده بدارد.

روز یکشنبه ۱۶ تیر ماه ۱۳۳۰ جلسه ۱۶۵ مجلس شورای ملی تشکیل شد و طی آن عبدالقدر آزاد، بعنوان ناطق قبل از دستور، در باره مسأله مورد نظر ما

به سخنرانی پرداخت:

آزاد... چند روز قبل قضیه اسناد شرکت نفت مانند بمب در سراسر کشور صدا کرد. گفتند ده هزار پرونده راجع به خیانت اشخاص در اداره اطلاعات شرکت نفت موجود است، که مربوط به ده هزار خائن است؛ ولی تمام قضایا در اطراف سه نفر دور زد و آن سه نفر عبارت بود از روزنامه طلوع، روزنامه صدای وطن و جواهر کلام... بقیه خائنین معلوم نشد کجا رفتند؟...

آقایان به خاطر دارند روزی که این اسناد پیدا شد، دو نفر مأمور رسیدگی به این اسناد شدند، یکی معزی، یکی پاکروان. البته از هویت این پاکروان اطلاعی ندارید ولی من مختصراً او را معرفی می‌کنم: این پاکروان اصفهانی است؛ پدرش اسمش صادق خان است؛ پیشکار صارم الدوله است و خواهر این پاکروان زن بشارت است. خود این پاکروان مستخدم شرکت سابق نفت بوده و در همین اداره مطبوعات شرکت نفت که این‌ها سر و صدا راه انداخته، خدمت می‌کرده است؛ حالا درست دقت بفرمایید که يك چنین پاکروانی آمده، علیه شرکت نفت و خائنین قد علم کرده است.

این پاکروان از دوستان صمیمی آقای دکتر بقائی است؛ ایامی که آقای دکتر بقائی در زندان بود، هفته‌ای دو سه مرتبه به ملاقات ایشان می‌آمد؛ از طرف شرکت نفت هدیه برای آقای دکتر بقائی می‌آورد؛ اسم این پاکروان در دفتر زندان ثبت است؛ مگر در این پاکروان جعبه‌های مشروب از طرف شرکت سابق برای آقای دکتر بقائی هدیه آورده است و شب‌های عدیده در خانه همین پاکروان با حداد و حسن عرب به میگساری مشغول بودند. حالا همین پاکروان و دکتر بقائی می‌آیند قلم فقیه زاده را هو می‌کنند (فقیه زاده - بکلی دروغ است) که با حداد ناهار خورده، ۱۲ تومان پول مهمانی دادند. کابینه آقای دکتر مصدق تا بحال فقط مینینگ داده و در روزنامه‌ها مردم را هو کرده‌اند. خدا کند که نتیجه کابینه ایشان مانند حکومت هیتلر برای ملت ایران خطرناک نباشد و هرج و مرج داخلی بزرگتری پیدا نشود.

پیشنهادات تازه

بدنبال این سخنرانی، پیشنهادات نازدای دربارهٔ اسناد، به مجلس شورای ملی تسلیم شد و بحث در این زمینه ادامه یافت:

رئیس - طرح راجع به اوراق نفت مطرح است، پیشنهاداتی که رسیده قرائت می‌شود.

جمال‌امامی - يك چیزی تهیه شد که به جای آن مطرح شود.

اسلامی - بنده پیشنهاد کرده بودم که این از دستور خارج شود.

رئیس - آن روز دادید و پس گرفتید، بعنوان خروج از دستور نمی‌شود که بعنوان سکوت باید باشد.

اسلامی - وزیر داد گستری نبود اجازه ندادید صحبت کنم.

شوشتري - آن طرح سه فوریتی جنگلها چه می‌شود؟...

رئیس - برای اطلاع آقایان عرض می‌کنم تمام پیشنهادات استرداد شده است. يك پیشنهاد هست که گویا مورد موافقت همه آقایان است.

شوشتري - بنده هم پیشنهاد داده‌ام...

مهدی - آقای رئیس بنده پیشنهادم را پس نگرفته‌ام.

عامری - من پیشنهادم را استرداد نکرده‌ام.

جمال‌امامی - آقای عامری، ملاحظه فرمایید اگر پیشنهادی که داده شده مورد پسندتان نشد فرمایید...

رئیس - بسیار خوب، مطرح خواهد شد. آقای فرامرزی فرمایید...

فرامرزی - عرض کنم مادر هر موردی نباید يك قاعده تازه‌ای بگذاریم.

نیمورتاش - وقتی که مطابق قاعده نشد مجبوریم.

فرامرزی - مطابق قاعده که نشد شما حق دارید دولت را استیضاح کنید.

بالاخره شما يك تشکیلاتی دارید؛ يك دولتی دارید؛ دولتی است که شما

اینجا بهش رأی اعتماد داده‌اید، يك جریانی پیدا شده؛ کشف شده، شما باید به

دولت تذکر بدهید که بیا این را در معرض افکار عمومی بگذار؛ دولت می تواند این را باز بکند. دادستان طبق آن تشکیلاتی که دارد - برود، برسد، ببیند صحیح است یا صحیح نیست؟ ... رسیدگی بکند (بموردتاش - پس شکایت شما از دادگستری چیست؟ ...)

نمی فهمم ... یعنی چه؟ یعنی من گفتم که کارها را نوی هم بکنید؟ دولت دولت کار همدیگر را بکند. من هیچوقت این حرفها را نزد من گفتم دادستان بد را باید برداشت، دادستان خوب گذاشت؛ نه اینکه مجلس بنشیند کار دولت را بکند. این صحیح نیست. دولت باید این اسناد را مطابق تشکیلات و قانون و مقرراتی که در این مملکت گذاشته شده است و هست، رسیدگی بکند و در معرض افکار عامه بگذارد و ما اساساً حق دخالت نداریم. اگر اعتماد نداریم استیضاح بکنیم ... اگر نمی کند باید بهش تذکر بدهیم ... اگر کوتاهی کرده باید ازش سؤال بکنیم ... اما در کارش نباید دخالت بکنیم. گفت: که خدا حسین کار پسرهایش نباید بکند، باید که خدا حسین کار خودش را بکند و پسرهایش کار خودشان را بکند ...

اردلان - آقای رئیس ایشان که موافق بودند ... اجازه می فرمایید.

رئیس - نوبت شما که نرسیده، تازه نوبت آقای سعید مهدوی است؛ بعد نوبت آقای ملک مدنی، بعد نوبت شما، رأی می گیریم ... (بعضی از نمایندگان - آقای فرامرزی موافق بودند) آقای مهدوی بفرماید ...

مهدوی - آقای فرامرزی بعنوان موافق صحبت کردند. آقای رئیس بنده عقیده ام برخلاف نظر آقای فرامرزی است (فرامرزی - من بعنوان مخالف صحبت کردم). ما به روش دولت در این کار معترضیم، ما طرفدار مطبوعات هستیم، ولی این راهم نباید منکر شد که بعضی اوقات يك عده از مطبوعات اغراض شخصی را با بعضی چیزها مخلوط می کنند (فرامرزی - مثل و کلاه هستند؛ مثل وزیراعه هستند؛ مثل تجار هستند...) ولی دولت نباید در این قسمت دامن بزند. مای گویم که يك اسناد کشف شده، این اسناد نانتیجه نهایی رسیدگی معلوم نشود نباید افشا بشود و در روزنامه منتشر شود (یکی از نمایندگان - چرا؟) برای اینکه شرکت سابق نفت را مامنحل کرده ایم.

شما می گویند که سدان چندین کلید توی جیبش هست، این شخص عقلش نمی رسد که وقتی يك کلید را ازش خواستند برود يك عده اشخاص خدمتگزار را معرفی بکند بعنوان جاسوسی؟... شما می آید يك عده اشخاص را در این مملکت مفتضح می کنید، بعد از يك ماه می آیند می گویند این ها حقه بوده، بنده معتقدم که دولت کار خودش را بکند؛ ولی روش دولت باید اینطور باشد که این اسناد را جمع آوری بکند؛ رسیدگی بکند؛ جاسوس را با خدمتگزار مملکت جدا بکند (صحیح است) آنوقت بدهد دست روزنامه نویس. وقتی که آبروی اشخاص رفت آنوقت چه فایده دارد که بگویند اینطور نبوده؟... وقتی آبروی من رفت، وقتی امروز بنده جاسوس معرفی کردید، در روزنامه ها يك ماه دیگر چه فایده دارد که بگویند این را حقه زده اند؟... در ماهه این است؛ ما نگفتیم که دولت حق ندارد؛ ما گفتیم که از مجلس سه نفر ناظر باشند، دولت کار خودش را بکند، عمل خودش را بکند (اسلامی - قانون لازم نیست، دولت بکند.) سه نفر از نمایندگان مجلس آن هم به انتخاب مجلس، نه که دولت انتخاب بکند، دولت حق ندارد دعوت بکند بایستی مجلس انتخاب بکند و نظارت داشته باشد و اول افشای نام هم نکند.

ماده واحده دیگر

رئیس - آقای اسلامی این پیشنهاد سکوت را مسترد بفرمایید و موافقت کنید که این پیشنهادی که رسیده خوانده شود. گمان می کنم که خود شما هم با این پیشنهاد موافق باشید (اسلامی - بنده پیشنهادم را پس می گیرم) (پیشنهاد به شرح زیر قرائت شد):

ریاست محترم مجلس شورای ملی

مجلس شورای ملی در تأیید عمل جناب آقای نخست وزیر مبنی بر دعوت سه نفر از نمایندگان هر يك از مجلسین و دادستان کل برای نظارت در تحقیق راجع به مدارکی که از شرکت سابق نفت بدست آمده است، ماده واحده زیر را تصویب می نماید:

ماده واحده - اسناد ومدار کی که از شرکت سابق نفت بدست آمده است باید کلاً در اختیار کمیسیون منتخب از طرف آقای نخست‌وزیر مرکب از دادستان کل و عنقراب نمایندگان مجلسین قرار گیرد و دادستان کل مکلف است با حضور هیأت مزبور به اسناد مکشوفه مراجعه و آنچه منطبق با قانون مجازات عمومی است بوسیله دادیاران دیوان کشور که در این مورد کلیه اختیارات قضات تحقیق را دارند به محاکم عمومی مراجعه نماید. آنچه جرم نیست ولی دلیل ارتباط مشروع ابرائیان با شرکت سابق نفت است، بوسیله دادگستری در جلسه علنی مجلس شورای ملی اعلام خواهد شد.

جمال امامی خوئی

رئیس - آقای جمال امامی . . .

جمال امامی - جناب آقای فرامرزی، ماهمه از جناب عالی توقع داریم بطوری که نشان داد باید طرفدار اصول باشید (فرامرزی - مسلماً اینطور هستم) ولی گاهی بدبختانه شما عصبانی می‌شوید و متحرف می‌شوید (فرامرزی - تصدیق نمی‌کنم). چرا تصدیق خواهید فرمود، ببینید قربان، احسانات يك موضوعی است؛ حق و حقانیت يك چیز دیگر... ممکن است بنده به شما ارادت داشته باشم، معاینتان را نبینم، ولی آن چیزی را که عیب تشخیص دادم با همه ارادت‌م به جناب عالی باید بگویم (فرامرزی - صحیح است) عرض کنم کدخدا حسینی که از طرف ما نیست، کدخدا حسینی در این موضوع از طرف دولت است. ما که به کار دولت دخالت نمی‌کنیم؛ دولت در کار ما دخالت می‌کند (شوشتری - کدخدا حسینی خربزه شیرینی دارد) خیال می‌کردم شما این را خواهید فرمود. ولی دیدم آمدید و فرمودید مجلس در کار دولت مداخله می‌کند. چرا جار و جنجال برپا شد؟ . . . چرا شد؟ . . . اگر دولت از طریق مشروع در این کار دخالت کرد بود، این جار و جنجال پامی شد؟... یعنی اگر دادستان دخیل بود و این اسناد را لاا کمهر می‌کرد و در اختیار خودش می‌گرفت و دستگاه دولتی در این کار دخالت می‌کردند کسی حرفی می‌زد؟ . . . با وجود اینکه شخص شما اینجا ۲۰ دفعه گفته‌اید که به دستگاه دادگستری اعتماد ندارید (فرامرزی - شما

دارید؟...). من هم ممکن است نداشته باشم، ولی به قول فرنگیها «وزن دو پلو» است. باز خود این عمل اگر نمی‌شد ما اعتراض نداشتیم، ولی آیا حق دولت این است و این بوده است که بگوید آقای دکتر فاطمی شما بروید و دخالت بکنید؛ حالا دکتر فاطمی عضو دولت است؛ باز او بود قبول می‌کردیم، ولی يك صنف غیر مسؤولی که اصلاً مسؤولیت قانونی ندارند؛ من نمی‌دانم کجا هستند؛ ممکن است اشخاص خیلی خوبی باشند؛ خیلی هم مفید باشد؛ ولی بعنوان هیأت نظارت خلع‌ید بروند دخالت بکنند؛ این مسؤولیتش باکی است؟...

با این هیأت است؟... با مجلس است؟... با دولت شما می‌باشد؟... این را تشریح بکنید؛ برای من که این مسؤولیت به‌گردن مجلس است یا به‌گردن دولت؟... وقتی که دستگاه نظارت هیأت خلع‌ید نفث جنوب منحصرأ در این عمل دخالت بکند، مسؤولیتش به‌گردن شماست یا به‌گردن دولت؟... ما بایستی کاری بکنیم که این عمل لوٹ نشود. بنده آمدم اینجا پیشنهادی کردم؛ بعد دیدم عده‌ای مایلند این عمل در دستگاه دولت باشد. تاختمند به‌من که می‌خواهید این عمل در مجلس درست بشود. قبلاً پیشنهاد کرده بودیم که به‌اختیار ۳۰ نفر باشد یعنی اعضای کمیسیونهای دادگستری مجلسین تقریباً ۳۰ نفر می‌شود - ۱۸ نفر از مال مجلس شورا و ۱۰ تا ۱۲ نفر مال سناست. با حضور وزیر دادگستری یعنی عضو دولت و دادستان دیوان کشور به این کار رسیدگی کنند. گفتند که بد است؛ ولی دکتر مصدق وقتی که ۶ نفر را خودش از مجلسین معین کرد، گفتند: این منطقی است و خوب است. گفتیم ۳۰ نفر دخالت بکنند با حضور وزیر دادگستری و دادستان دیوان کشور. گفتند: نه. ولی وقتی که نخست‌وزیر گفت آقای دکتر طاهری، آقای دکتر بقائی و آقای فلان و سه نفر هم از سنا دخالت بکنند، گفتند خوب است... و حالا که گفتند ۶ نفر، یا و بین چه هو و جنجالی بر ایداختند و قبولش کردند.

رئیس - دربارهٔ پیشنهادتان بفرمایید...

جمال امامی - در هر صورت منطقی و استدلال که در مملکت ما رواجی ندارد،

و صحت حب و بغض است . عرض کنم پیشنهادی که کردم گفتند اینطور نباشد . خوب ما آمدیم نشستیم با آقایان ، عقل ناقصمان را روی هم کردیم که خوب ، حالا يك كاری بکنیم که امریۀ آقای نخست وزیر اجرا شده باشد . چون ایشان هر امری صادر بکنند ، باید اجرا بکنیم ، امریۀ ایشان و این اسناد هم برای شما یا فلان روزنامه نگار تنها نیست ؛ یا فلان عطار یا فلان پابره‌نه مگر در مملکت مصون نیست ؟ ... مگر در مملکت همین و کیل است که مصون است ؟ ... اینکه نیست ... بابا شما مدافع تمام ملت هستید نباید بگذارید که فلان روزنامه نویس هم اگر جرمی مرتکب نشده به او هم اسناد خیانت بدهید .

من چندین بار اینجا گفتم قبل از اینکه مدافع خودتان باشید باید مدافع ملت ایران باشید (صحیح است) همینجا چون اسمی از وکیل برده شده یا برده نشده باید مداخله کنیم ؛ نه اصلاً اگر اسم وکیل هم برده نشود ؛ ولی فلان عضوی از اعضای ایران اسمش برده شود ، شما باید مداخله کنید ... باید کاری بکنید که بیجهت کسی متهم نشود ؛ برای خود دولت هم این بد است . سوء ظن یعنی چه ؟ ... او که نظری ندارد ... دکتر مصدق که نمی‌خواهد برای شما پاپوش بدوزد ... خلاصه ما آمدیم گفتیم هم امریۀ ایشان را اطاعت بکنیم و هم این اسناد مصون بماند یعنی افراد ملت تا اندازدای قلبشان مطمئن باشد که برای آنها پاپوش دوزی نمی‌شود . تا - حالا هر چه شد ، من بعد نشود . آوردیم این طرح را با موافقت آقایان تهیه و تنظیم کردیم . آقایان هم لطف فرمودند و پیشنهادات خود را پس گرفته ، از جناب آقای عامری هم تقاضا می‌کنم هر پیشنهادی داده بودند ایشان هم همین فکر را داشته‌اند که اینها مصون بمانند . بعد هر کار در دادگستری می‌خواهید بکنید ، شما که در آن دخالت ندارید . شما می‌خواهید که این اسناد در جایی مصون بماند ؛ و در دسترس يك عده خاصی نباشد . منظورمان این بود ؛ وقتی که این کار شد ، دیگر عرضی نداریم (صفائی - این اسناد منتشر شده ، و همه فهمیدند) (تیمورتاش - مدت هم لازم است .)

(یادداشتی، از آقای دکتر فاطمی به آقای امامی رسید ...) بخیر. آقای دکتر فاطمی بنده همچو چیزی نگفتم که جنابعالی نوشته‌اید که من می‌خواهم اسناد را ازین ببرم؛ يك روزنامه دیگری به نام یاسا این را نوشته بوده؛ آقای دکتر فاطمی نبود يك روزنامه به نام یاسا نوشته بود. چون دکتر است و به آقایان گفتم به این آقای دکتر بگویند که اگر راه‌سومی به نظر شما می‌رسد پیشنهاد کنید، تا ما آن را قبول کنیم. هر کاری می‌کنم که مورد خطاب و عتاب واقع می‌شویم... به آقای دکتر عرض کردم که يك جمله‌ای در روزنامه‌شان نوشته بودند به آن جمله بنده ایراد کردم و گله کردم. فراموشی-اجازه بفرمایید بنده توضیح بدهم.

رئیس - نوبه شما نیست. آقای اردلان...

اردلان- عرض کنم موقعی که ما در خوزستان مشغول اجرای قانون خلعید بودیم، فهمیدیم که يك چنین قضیه‌ای رخ داده و این قضیه بسیار اهمیت داشت. برای اینکه این موقعی بود که کارکنان شرکت سابق نفت ایران و انگلیس تصفیه-خانه ایران را به ما نشان می‌داد و می‌گفتند که آنها اشخاصی هستند که کارشان منحصر به تصفیه نفت است و اتفاقاً این قضیه معلوم کرد که خیر کار اینها منحصر به تصفیه نفت نبود، و در امور حساس مملکت مداخله می‌کردند.

لیدر حزب توده در آمبولانس شرکت نفت

اگر آقایان بخاطر داشته باشند، روزنامه‌ها نوشتند راجع به ملاقات دکتر یزدی و پنهان کردن او در آمبولانس شرکت نفت این واقعه يك قضیه‌ای است که ما باید در دنیا منعکس کنیم (جمال امامی- بنده ۸۵ ماه پیش در استیضاحی که از رزم آرا کردم این را گوشزد کردم) کار بسیار خوبی کردید و امیدوارم همه آقایان محترم موافقت بفرمایند و آقای اسلامی هم خیلی تشکر می‌کنم که پیشنهاد مسکوت ماندنش را پس-گرفتند؛ برای اینکه بی‌ارزنده است که يك چنین قضیه‌ای در مجلس شورای ملی مطرح بشود و بعد پس بگیرند. علت مخالفت بنده فقط راجع به مدت است و اگر آقای جمال امامی موافقت بفرمایند- که يك مدتی قائل بشویم برای کار- مخالفتی

ندارم و عقیده دارم با اتفاق رأی بدیم که هم آبرو و حیثیت تمام اشخاص محفوظ بماند و هم اشخاصی که برخلاف مصلحت این مملکت خیانت کرده اند مجازات بشوند (صحیح است) .

تیمورقاش - مدت را هم خودتان معین کنید .

صفائی - بنده مخالفم، اجازه می فرمایید؟...

رئیس - مخالف آقای اردلان بودند که صحبت کردند (صفائی - ایشان که مخالف نبودند؛ موافق هستند . بنده مخالفم و ثروت بنده است) آقای صفائی... صفائی - بنده اینجا يك عرض خیلی اساسی دارم؛ بنده معتقدم بعد از اینکه عمل واقع شد، در چند روز پیش بنده موافق بودم به اینکه يك چنین طرحی داده شود و به مرحله اجرا گذارده شود؛ ولی امروز جداً مصالح و منافعی از بین رفته است؛ زیرا آن دستهایی که مقصودشان مرعوب کردن و لکه دار کردن مخالفین دولت بود، مشروع و یا نامشروع این عمل را انجام دادند (جمال امامی - آقا شما که مخالف نیستید...) اجازه بفرمایید قربان بنده عرضم را بکنم؛ منظور از این عمل يك منظور سیاسی بود... منظور لجن مال کردن عده ای از مطبوعات؛ عده ای از نمایندگان بود که ممکن بود يك روزی مخالفت کنند... خواستند فعلاً به عناوین مختلف تثبیت گردیده آنها را بدنام کنند.

جناب آقای جمال امامی، نوشته شد که به فلانکس ناهار داده اند و ۱۲ تومان به حساب گذاشته اند... اینکه امروز نوشته شد، فردا هم اگر معلوم بشود این عمل انجام نشده، دولت آن استفاده ای که از این کار می خواسته است بکند، یا هر کس یا هر دست مرموزی که مقصودش لجن مال کردن نمایندگان بوده است، از این منظور استفاده کرده است. نوشته شد، بعد از نوشته شدن، دیگر هر کاری که می خواهید شما بکنید... فرض کنید امروز جناب عالی اسناد را مهر و موم کردید، دیگر هیچکس را نمی نویسند؛ مطمئن باشید از کسانی که موافق با دولت هستند اسمی برده نمی شود؛ مطمئن باشید کسانی که برای دولت سینه می زنند در این جریان نامی از

آنها برده نمی شود.

رئیس- آقای صفائی اینها از موضوع خارج است.

صفائی- بنده مخالفم و دلایل مخالفتم را عرض می کنم. بنابراین فایده اش چیست؟ الآن منظورشان عملی شد و مطبوعات و مخالفین خود را لجن مال کرده اند، برای چه این طرح را می دهید؟... بگذارید بدهر نوعی از انواع اعم از مجعول و صحیح آنها را بنویسند. آقا دولتی که می گوید باید وحدت باشد... دوائی که می گوید من کارمهی در پیش دارم؛ دولتی که می گوید نمایندگان مجلسین بالاتفاق رأی دادند... این دولت می گوید اینها مستخدم شرکت نفت هستند؛ می گوید اینها رفته اند ناهار خورده اند؛ اگر نمایندگان رفته اند و ارتباط با شرکت نفت داشته اند؛ بگذارید نوشته شود؛ هر جوری که خودشان می خواهند؛ تا معلوم شود روش دولت برای لجن مالی مخالفینش چیست؟... چرا جلوگیری می کنید؟... هر کاری خواسته اند کرده اند؛ هر کسی را خواسته اند منهم کرده اند؛ موافقین را منهم نخواهند کرد...

امامی- اصلاً احتیاجی نیست؛ ملت ایران همه را می شناسند.

امامی اعری- جاسوسها را معرفی می کند؛ خود آن شاهنده جاسوس است.

فرامرزی- بنده اجازه می خواهم توضیح مختصری بدهم.

رئیس- بفرمایید...

فرامرزی- لازم است در جواب آقای امامی عرض کنم فرمودند من باید تابع

اصول باشم؛ آقای نبوی که البته يك قاضی واردی هستند؛ خودشان گفتند که این

پیشنهاد آقای امامی خلاف اصول است. عرض کنم که این يك جریمه ای است که

واقع شده، هر جریمه ای که واقع شود، شما يك تشکیلات و دستگاهی دارید برای

کشف آن جریمه؛ شما برای کشف هر يك از جرائم يك قانون می گذرانید که چند

نفر وکیل انتخاب شود برای رسیدگی (جمال امامی- آقا ما نکردیم، رئیس دولت

کرده است) آقای امامی، آقای من، خیانت شده و قانونی برای تعقیب اینها دارند،

ولی برای اینکه این حرفها گفته نشود، رئیس دولت سه نفر انتخاب کرده است؛ سه جنبه را در نظر گرفته است؛ يك شخصي که احتمال می دهند از آن طرفی باشد و يك شخص هم که گمان می رود این طرفی و یکی هم میانه... هر سه نامردم وزین و طرف اعتمادی هستند. اینکه فرمودید در جراید چرا انتشار یافته، این کار جراید است؛ این شغل جراید است؛ روزنامه می رود خبر بدست می آورد و منتشر می کند، جلوش را هم نمی شود گرفت (صفائی - بهش داده اند). فرقی نمی کند، بهش داده اند؛ شما اعتراض کنید. اینکه فرمودند نوشته شده است، خیلی از مطالب در جراید نوشته شده؛ بعضی از قسمتیا صحیح نیست؛ بعضی هم صحیح است. آنکه صحیح نیست؛ قانون هست تکذیب می کنند؛ از اوشکایت می کنند؛ تعیب می کنند؛ از او دلیل و مدارك می خواهند؛ این چاره ندارد؛ مدیر روزنامه وقتی خبر پیدا کرد در روزنامه اش منتشر می کند (صحیح است). آقای صفائی فرمودند که دولت طرفدار... رئیس - آقای فرامرزی راجع به بیانات شما هر چه گفته اند جواب بگویید...

ناهار شرکت نفت

فرامرزی - من از خود آقای صفائی خواهش می کنم که بروید جزو این هیأت رسیدگی بکنید؛ هر چه هست بریزید روی دایره، کسی جلوی شما را نگرفته؛ فرمودید که این عمل دولت، این حرفها ایجاد سوءظن می کند. والله اینها که خیلی جلتز و ولز می کنند، برای من ایجاد سوءظن می کند (تیمورتاش - پس اول خودتان جلتز و ولز می کنید). من خودم هم هستم و زیاد هم جلتز و ولز می کنم و اما قسمت ناهار... قسمت دعوت... هیچکس نمی گوید که این خیانت است. شرکت نفت يك مؤسسه ای بوده است که می خواسته است يك کارهایی بکند، طبعاً با مردم این مملکت تماس می گرفته است (همه نمایندگان - دروغ است اینها، چرا توهین می کنید...)

صفائی - این حرفها برای این است که بدنام کنند و کلاء را که کسی

فرامرزی - عزیزم من که می گویم...

صفائی - خاك بر سر آن نماندند که برای يك ناهار خوردن ايمان و عقیده خود را بیاد بدهد.

رئیس - آقای فرامرزی از موضوع خارج شدید؛ باید رأی گرفت؛ عده کافی نیست (جمال امامی - اجازه می فرمایید؟...) شما هم که توضیح دادید، پس بگذارید آقای نبوی صحبت کنند؛ آقای نبوی توضیح مختصری بدهید؛ پس از آن رأی می گیریم.

صفائی - توهین کرده اند که کسی حرف نزنند.

رئیس - آقای صفائی ساکت باشید؛ به شما تذکر می دهم. بگذارید مجلس منظم باشد.

صفائی - تذکرتان را اطاعت می کنم (احسنت).

امامی - این ناهار آقا، دسر هم داشت؟

شوشرقی - دسر آن اختلاف بود...

نبوی - در این قضیه يك جریان نامطلوبی بوده است و عادت ما این است که هر موقع کار بیرویه ای می شود می آییم در مجلس برای آن کار می خواهیم قانون بگذرانیم؛ در حالیکه برای همه اینها قانون هست؛ اگر قانونی که در سابق تصویب شده اجرا نمی شود، قانونی هم که در آینده تصویب شود اجرا نخواهد شد. شما مقصودتان از این طرح این است که اینها را منتشر نکنند، چنانچه یکی از آقایان گفتند (تیمورتاش منتشر بکنند). اجازه بفرمایید... قبل از اینکه رسیدگی نهایی بشود، مطابق قانون سابق تأیید می کردند که منتشر نشود. هیچ فرقی ندارد؛ این اوراقی که در آنجا کشف شده با يك اوراقی که در يك جای دیگر کشف می شود که فلان تاجر یا فلانکس کلاهبرداری کرده است؛ اینها هم اشاره بود به موضوع يك جرمی آن هم اگر خدای نکرده اینجور است اشاره به موضوع يك جرمی است؛

از نظر قانونی هم فرقی نیست.

من دیشب از یکی از مدیران جراید که اینها را در روزنامه‌اش منتشر کرده بود، پرسیدم آقا اینها را از کجای می‌دهند به شما؟... چه دستگاهی است که به شما می‌دهد؟... صریحاً گفت: دادستان کل. من تعجب کردم که دادستان کل چگونه می‌دهد؟... (تیمورتاش-قبل از اینکه دادستان کل وارد مغر که شود منتشر شد.) این اظهاری بود که آن مدیر روزنامه کرد. این عمل اگر راست است و اگر دادستان کل این کار را کرده بسیار کار خلاف قاعده‌ای بوده. نباید منتشر کند؛ اما فلان آدم ناهار خورده با فلان شخص اعلان کرده و پول گرفته، این مهم نیست و قضیه را نباید بزرگ کرده؛ ما دربارهٔ این اوراق باید همان کاری را بکنیم که دربارهٔ تمام جرایم دادگستری می‌کنیم و این اهمیت را نباید برای اینها قائل بشویم. در اظهارات سابق در مجلس عرض کردم که این کار بیشتر تولید سوء ظن خواهد کرد و فکر بد گویان را بیشتر بطرف ما متوجه خواهد کرد. اگر آقایان می‌خواهند از این کار نفع ببرند بیشتر ضرر خواهند کرد.

يك اسنادی بدست آمده که ممکن است اینها بر بخورد به يك عده‌ای؛ اگر از جریان عادی اقدام شود ضررش کمتر است؛ اگر می‌توانید از مأمورین کشف جرم و مأمورین قضایی که قابل اعتماد نباشند، چاره‌ای نداریم و کاری نمی‌توانیم بکنیم و باید کاری بکنیم که در سایر موارد می‌کردیم. این است که بنده با این طرح بکلی مخالفم و معتقدم مطابق همان پیشنهادی که آقای اسلامی کردند باید مسکوت بماند؛ و آن هم به جریان عادی بیفتد، نه اینکه با قانون خاصی...

رئیس- پیشنهادی که آقای جمال امامی داده‌اند به جای آن طرح قبلی است و روی آن صحبت می‌کنند و بعد پیشنهادهایی هم اگر آقایان دارند می‌دهند و پیشنهادهایی قبلی هم محفوظ است. آقای امامی...

جمال امامی- جناب آقای عامری، گوش بفرمایید راستی راستی- بین خودمان است- گاهی آدم تعجب می‌کند که قضاوت يك جامعه‌ای چقدر ممکن است منحرف

شود؛ شرکت نفت جنوب می‌رود به وکیل نهار می‌دهد؛ برای اینکه بیاید رأی به‌ملی شدن نفت بدهد. نتیجه این شده این. و کلایی که رفتند نهار ۱۲ تومانی خوردند؛ یا آن پدرسوخته‌ای که اسمش را نمی‌دانم آمدند و به‌ملی شدن نفت رأی داده‌اند؛ اگر نقشه این برده باید به‌خود دگر مصدق صد تا نهار داده باشند...
معدل - آقای امامی این چه اظهاری است که می‌فرمایید؟... شما يك شخص حسابی هستید...

جمال امامی - من چه عرض کردم آقای عزیز من؟... کاسه گرمتر از آتش نباشید. عراقی‌ها را تجزیه و تحلیل کنیم؛ می‌گوییم اگر شرکت نفت برای ملی شدن نفت نهار داده باشد، به‌من و دگر مصدق باید صد نهار داده باشند. چون تمام طرحهایی که برای ملی شدن نفت است بدامضاء و خط من است؛ باید به‌من هم نهار داده باشند... باید به‌خود دگر مصدق هم داده باشند... نهار برای چی داده؟... نهار برای ملی شدن صنعت نفت داده؟... برای این داده؟... من تعجب می‌کنم این حرفها چیست که می‌زنید؟... این والله باالله به‌مصلحت مملکت نیست؛ به‌مصلحت این موضوع مانحن فیه هم نیست؛ خلاصه این استاد را امامی خواهیم مصون بسازند. راهی داریم که مصون بسازند؟... (زبوی - نه) بدعیل شما که نیست؛ این آقا و آن آقا نگران است. من چه بکنم اونگرانیش را چطور رفع بکنند؟...

فرامرزى - آقای امامی کی نگران است؟...

جمال امامی - من نگرانم .

رئیس - بهر حال باید رأی گرفته شود؛ عده کافی نیست؛ و اعلام رأی می‌کنم و پیشنهادهای دیگری هم هست؛ فعلا جلسه را ختم می‌کنم. جلسه آینده روز سه‌شنبه و به این پیشنهاد رأی گرفته می‌شود و بعد سایر پیشنهادات مطرح می‌شود (مجلس ۲۰ دقیقه بعد از ظهر ختم شد).

رئیس مجلس شورای ملی - رضا حکمت

آنچه که تنی چند از وکیلان، سناتورها و شخصیت‌های مملکتی را نگران ساخته بود و این نگرانی از زبان خودشان و در عالیترین مرجع قانونگذاری مملکت نیز عنوان می‌شد؛ برآستی جاداشت که بیش از اینها مایهٔ نگرانی شود. همهٔ این مذاکرات، جرو بحثها، مشاجرات و بگومگوها، تازه مربوط به زمانی است که هنوز تکلیف اسناد روشن نشده و جز گروهی از آن، کسی را بر متن آنها آگاهی نیست؛ اما همین مقدمات طولانی باعث شد که بیش از پیش توجه همگان، حتی محافل خارجی به اسناد مکشوفه جلب شود - و چنانکه اشاره شد - طرح دعوی ایران و انگلیس در مراجع بین‌المللی (دیوان لاهه) اهمیت مسأله را صدچندان ساخته بود.

کار مذاکرات و مباحثات نمایندگان که می‌رفت تا بدون اخذ نتیجه - و حیثاً تا ابد - ادامه یابد، آقای دکتر مصدق نخست‌وزیر وقت ناگزیر از دخالت مستقیم در ماجرا ساخت، و طی نامهٔ مشروحی به مجلس شورای ملی - که گزارش داد بار داد مرا نیز ضمیمهٔ آن بود - مسرماً مذاکرات پارلمانی را بکلی تغییر داد. زیرا با وجود همهٔ مطالب مستند و گزارشهای کتبی و شفاهی، و شهادت مقامات مسؤول و تنی چند از وزیران، هنوز در مجلس بحث بر سر این بود که آیا اصولاً چنین اسنادی وجود خارجی دارد؟... آیا این اسناد جعلی و ساخته و پرداختهٔ خود انگلیسها، یا عوامل ایرانی آنها نیست؟... آیا اصلاح است اسناد منتشر گردد یا بکلی کانلم یکن فرض شود؟... و بسیاری «آیا»های دیگر، در همین زمینه‌ها... که بی‌تردید به هیچ نتیجهٔ مثبت و ثمر بخشی منجر نمی‌شد.

بهر حال، به دنبال نشستهای متعدد و مذاکرات مداوم نمایندگان مجلس شورای ملی - طی چند جلسه که شرح آن در صفحات پیش آمد - روز سه‌شنبه هیجدهم تیرماه ۱۳۳۰ یکصد و شصت و ششمین جلسهٔ مجلس تشکیل شد و گفتگوهای پایان ناپذیر در بارهٔ اسناد نفت ادامه یافت... اما این جلسه از چند نقطه نظر، با جلسات پیشین تفاوت‌هایی

فاحش داشت .

نخست اینکه در این فاصله، نامهٔ محرمانهٔ «استاکیل» به لندن - که متن آن در بخش نخست کتاب وطنی یادداشت‌های سناتور دیوان بیگنی و دکتر مظفر بقائی آمده است - به اجرای پرونده‌ها و اسناد، رنگت دیگری داد، بدین معنی که ثابت کرد اسناد مکشوفه، نه فقط واقعی و تکان‌دهنده و بی‌نظیرند، بلکه دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای هستند؛ حتی به مراتب بیشتر از آنچه مقامات ایرانی - اعم از مخالف و موافق - دربارهٔ آن می‌اندیشند .

دیگر اینکه نامهٔ نخست‌وزیر به مجلس و ارائهٔ گزارش دادیاردادسرای تهران ماجرای کشف اسناد را از پرداخت ایهام و تردیدهای پیشین بدر آورد؛ و آن را در یک مسیر رسمی، اداری و قضایی بجریان افکند .

در آغازین جلسه، سید ابوالحسن حائری‌زاده، بعنوان ناطق قبل از دستور در زمینهٔ مسألهٔ مورد بحث سخنانی ایراد کرد. او ضمن استناد به گزارش «استاکیل» بخاطر فرارتنی چند از انگلیسیان که از طرف مقامات قضایی مورد تعقیب قرار گرفته، ولی موفق به فرار از ایران شده بودند، دولت و مقامات مربوطه را مورد حمله قرار داد. مذاکرات این جلسه و نطق قبل از دستور ابوالحسن حائری‌زاده به شرحی است که در زیر می‌خوانید :

حائری زاده ... اسناد و مدارکی که اخیراً در دفتر ادارهٔ اطلاعات و تبلیغات (یعنی دستگاه جاسوسی) کمپانی سابق نفت بدست آمده، مدلل می‌دارد که عمال کمپانی نفت یک دسته تاجرپیشه نبودند بلکه در تمام شؤون اجتماعی ملت ایران انواع تخریب و فساد را عهددار بوده و اغلب حوادثی که در این مملکت اتفاق افتاده سرچشمهٔ فساد آن همین دستگاه بوده. چیزی که مایهٔ تأسف است حس محافظه‌کاری است که در اغلب رجال مابوده و هست و همیشه این حس و ضعف مصادراً مورد سرپوش روی مظالم عمال کمپانی گذارد؛ حتی کسانی که از عمال کمپانی جرم و جنایت شده و دادستان ایشان را مورد تعقیب قرار داده است، موفق به فرار می‌شوند، در مینوت تلگرافی

که اخیراً پس از دخالت دولت در دستگاد جاسوسی آنها و تصرف فئنتی از باقی‌مانده پرونده‌های اداره اطلاعات و تبلیغات کدپانی سابق نفت بدست آمده، رئیس این اداره به لندن گزارش می‌دهد: «معداری از اوراق را به مرکز امنی رسانده و قسمتی را منهدم ساختم و بقیه بدست عمال دولت ایران افتاد.» مرتکب این جرم یعنی مخبره کننده تلگراف - موفق به فرار از ایران می‌شود و این حوادث موجب نهایت تأسف است. پس از آن مجلس وارد دستور شد و مذاکرات بقرائت نامه‌های دکتر و صدق نخست‌وزیر به شرح زیر آغاز گردید:

نایب رئیس - با اجازه آقایان وارد دستور می‌شوریم. دستور طرحی است که از طرف آقایان نمایندگان محترم برای رسیدگی به اسناد شرکت سابق نفت داده شده و پیشنهاد آقای امامی خوانده شده و موافق و مخالف مذاکره کردند. حالا نامه‌ای از آقای نخست‌وزیر در این زمینه رسیده که اجازه بفرمایید قرائت بشود؛ بعد به این پیشنهاد رأی گرفته شود (نامه آقای نخست‌وزیر به شرح زیر قرائت شود).

نامه نخست‌وزیر

ساحت مقدس مجلس شورای ملی

درقبال کشف اسناد و مدارک محرمانه اداره منحلّه اطلاعات و انتشارات شرکت سابق نفت که در محل سابق آن اداره در خیابان نادری و در محل اقامت آقای سدان نمایندگ کل شرکت سابق نفت در تهران (کوچه ایرج) بدست آمده و اکنون مورد توجه خاص مجلس شورای ملی قرار گرفته، مراتب زیر به استحضار آقایان نمایندگان محترم می‌رسد.

این جانب از جریان رسمی کشف و عکس برداری و مطالعه اوراق و اسناد مزبور هیچگونه اطلاعی نداشتم و طبق دستور این جانب اطلاعات رسمی که رسیده، حاکی است که آقای ناصر وثوقی دادیار داسرای تهران در تاریخ ۱۲ تیر ماه جاری گزارش مبسوط اقدامات خود را بدریاست داسرای شهرستان تهران داده و اینک

متن گزارش مزبور:

زیاست دادسرای شهرستان تهران

تعمیب مأموریت محوله در مورد تمییش و بررسی اداره منجمله اطلاعات شرکت سابق نفت، جریان اقدامات انجام شده را تا این تاریخ به شرح زیر بعرض می‌رساند:

در تاریخهای پنجم و ششم و هشتم و نهم تیرماه ۱۳۳۰ بموجب صورت مجلسهای موجود این جانب به اتفاق آقای امیرحسین پاکروان نماینده تیمار زاهدی وزیر کشور، آقای سرهنگت ابراهیم عاصمی نماینده شهربانی کل و سرهنگت غلامحسین دادخواه رئیس کلانتری ۳ در اداره منجمله اطلاعات شرکت سابق نفت حضور یافتیم و شروع به بررسی و مطالعه اوراق و اسناد کردیم؛ قبل از مراجعه تا حال نیز اداره مذکور لاک و مهر شده و تحت حفاظت و نگهداری مأمورین انتظامی است. از تعداد زیادی اسناد و اوراق مربوط به این اداره عکس برداری شده؛ اسناد انگلیسی به فارسی ترجمه گردید و از کلیه آنها رونوشت تهیه شد. بموجب این اسناد اداره منجمله اطلاعات شرکت سابق نفت درباره‌ی امور سیاسی و داخلی ایران بمنظورهای خاصی مداخله می‌نموده است.

عده زیادی روزنامه‌ها مقالات خود را از این اداره می‌گرفته‌اند؛ آگهیها و اخبار مربوط به نفت که در عین حال برای رسیدن به هدفهای معینی تهیه می‌شده از طرف این اداره بوسیله آقای ابوالقاسم حداد که رابط مطبوعاتی اداره بوده است، بین روزنامه‌ها قسمت می‌شده و مقالات توهین آمیز و تحریک کننده بمنظور تحقیر رجال و سیاستمداران میهن پرست ایرانی و انعطاف افکار عمومی از مسأله نفت به دست بعضی نویسندگان از جمله آقای علی جواهر کلام تهیه و پس از صوابدید اداره مذکور برای درج به روزنامه‌ها داده می‌شده است. اسناد دیگری مبنی بر رابطه بعضی رجال و ساتورها با آقای «فلیپ استاکیل» رئیس اداره مذکور نیز در دست است؛ در عین حال بعضی اقدامات سیاسی و مطبوعاتی عده‌ای از رجال از این اداره سرچشمه و الهام می‌گرفته است. مثلاً بموجب سندی که در دست است آقای شاهرخ

اساساً مأموریت‌هایی از طرف این اداره داشته است.

عکسها، ترجمه‌ها و رونوشت‌های ترجمه شده در اختیار وزارت کشور قرار گرفت و عین آنها در اداره در تاریخ ۳۰/۴/۸ بنا بر مذاکره تلفنی و ارجاع آن جناب و رؤیت امریه جناب آقای نخست‌وزیر، معلوم شد که پس از انحلال اداره اطلاعات، بعضی کارمندان این اداره منزل آقای «سدان» را تبدیل به يك اداره مخفی نموده در آنجا به کار خود ادامه می‌دهند. محتمل است يك دستگاه فرستنده در آنجا مشغول به کار باشد و علی‌ای حال مقرر است اداره مذکور نیز تفتیش شود.

در روزهای ۸، ۱۰ و ۱۱ تیرماه جاری بموجب صورت مجامع موجود این جناب با اتفاق نمایندگان وزارت کشور و شهرستانی کل و کلانتری ۳ به‌خانه مذکور وارد و به شرح بررسی‌هایی معمول گردید:

حین ورود به خانه نامبرده، آقای حداد (رابط با اصطلاح مطبوعاتی اداره اطلاعات) و آقای فیلیپ استاکیل (رئیس اداره مذکور) در حالیکه هريك دسته‌ای اوراق و مطبوعات زبر بغل داشتند، در حال خروج مشاهده شدند و اوراق و اسناد مذکور بررسی شد.

خانه آقای «سدان» که دارای اتاقهای متعدد است: کلاً تبدیل به يك اداره یا شعبه‌ای از اداره اطلاعات منحل شده بود و وسایل کار از قبیل ماشین تحریر، دستگاه ویکتورین و غیره بطور کامل در کلیه اتاقها ملاحظه گردید و حتی يك اتاق نیز برای استفاده و سکونت شخصی در این ساختمان دیده نشد. از بررسی اوراق و اسناد این اداره، مداخلات دامنه دارتر شرکت سابق در امور داخلی و سیاسی ایران و اقداماتی که بهیچوجه با امر استخراج و تصفیه نفت ارتباط ندارد مشهود و مکشوف گردید. اسناد ارتباط روزنامه نویسا و نویسندگان و بعضی از رجال در این اداره ملاحظه می‌شود. پیشنهاداتی که از خریداران نفت جهان بعنوان شرکت ملی نفت بایست فرستاده‌بورد، در آرشیوهای این اداره بایگانی شده است (جمال امامی - این پیشنهادها بطور آنجا رفته؟). نطق نيمسار رزم آرا نخست‌وزیر اسبق در جواب نمایندگان جبهه ملی که از

طرف شرکت تهیه شده بود بدست آمد و بالاخره يك سند کتبی به خط آقای استاکیل حاکی است که مقداری از اوراق و اسناد مهم نابود گردیده است که بلافاصله اقدام مقتضی معمول گردید .

نماینده وزارت کشور از این اسناد نیز عکسها و رونوشتها و ترجمههایی تهیه کرد و سپس عین اسناد ضبط گردید. قسمتی در بانک ملی و بقیه در خود محل لاک و مهر شد و تحت حفاظت مأمورین امنظامی قرار گرفت

تطبیق عملیات انجام شده و اسناد موجود باقرائین جزایی ایران و بررسی دقیق نوشتجات به فرصتهای بعد موکول می گردد، و اینک ضمن ارسال ۱۲ برگ صورت مجلسهای تنظیم شده مراتب را جهت اطلاع آن جناب اعلام می دارد؛ جریان تحقیقات ادامه خواهد داشت.

دادیار دادرسی تهران، ناصر وثوقی

دنباله نامه نخست وزیر

آقای دکتر مصدق، پس از نقل متن گزارشهای ناصر وثوقی دادیار دادرسی تهران مطالب نامه خود را بشرح زیر ادامه می دهد :

چنانکه از گزارش مزبور استنباط می شود، جریان رسیدگی به اسناد و مدارك تا ۳۰/۴/۱۳۲۱ جریان رسمی و طبیعی خود را طی کرده است. لیکن این جانب عصر سه شنبه یازدهم تیرماه اطلاع حاصل کردم که صبح همان روز ماده واحده راجع بطرز رسیدگی اسناد و مدارك مکشوقه از طرف غدهای از نمایندگان محترم تقدیم مجلس شده است که ضمن آن تقاضا شده بود که کمیسیونی از مجلس انتخاب شود و مأمور رسیدگی به آن اسناد و مدارك شود .

چون سه فوریت لایحه مزبور بتصویب رسیده بود، ولی تصویب لایحه بعد

موکول گردید، این جانب تشخیص دادم که رسیدگی به مدارک رانمی توان متوقف نمود. و از جهت دیگر ممکن است تصمیم شورای ملی بتأخیر افتد؛ از ۳ نفر از نمایندگان محترم مجلس سنا، آقایان دادگر، دیوان بیگی و دکتر حسینی و ۳ نفر از نمایندگان محترم مجلس شورای ملی آقایان دکتر عاقری، مخبر فرهمند و دکتر بنائی دعوت کردم که در محل اقامت مستر سدان حضور بهم رسانیده، با حضور جناب آقای دادستان کل اسناد و مدارک را مطالعه نمایند.

اینک اطلاع حاصل است که از قسمت عمده از اسناد و مدارک مکشوفه عکس برداری و ترجمه شده است. لیکن طبق سندی که از مستر استاکیل رئیس اداره متحلهٔ اطلاعات و انتشارات شرکت سابق نفت بدست آمده و عیناً قرائت می شود: «شمارهٔ ۸۵۱۳ برای ا.ج. چیزم. از طرف ف. استاکیل

در ۲۷ و ۲۸ ژوئن مطابق ۵ و ۶ تیرماه دو ایر ادارهٔ اطلاعات از طرف شهربانی مهور شد. در تاریخ ۲۱ ژوئن، دکتر بنائی و سایر اعضای جبههٔ ملی به آنجا وارد و عکسهایی بسیار از اسناد برداشتند، شماره‌ای چند از این اسناد ظاهراً بنظور اثبات عملیات مخرب ادارهٔ انتشارات در تهران مصور و شاهد درج شد، ولی در نظر اشخاص بیغرض اثر بدی برای وجه شرکت نباید داشته باشد.

نظر به مراقبت کاملی که از هفته گذشته از طرف جبههٔ ملی نسبت به دو ایر ادارهٔ انتشارات بعمل می آمد، ممکن نشد اسناد بکلی منهدم، یا از آنجا بیرون برده شود زیرا بمحض اقدام بدچنین امری، سریعاً به جبههٔ ملی گزارش داده می شد و قطعاً موجب می گردید هنگامی که احتیاج خاصی به ادارهٔ انتشارات بود حمله‌ای بنظور بستن آن بعمل آید و آنچه را برای ماجرم می شمارند، یا اقدام مابرای از بین بردن یا انتقال

۱. این گزارش را در بخشهای پیشین و هنگام شرح چگونگی کشف و دست یافتن به اسناد آوردیم؛

ولی از آنجا که اینک نخست وزیر وقت بدان اسناد می کند و حذف آن بدروال منطقی نامه

لطبه می زد - بانوجه به کوتاه بودن گزارش - تکرار آن ضروری بنظر رسید.

مدارک جلوه گرسازند، ولی برخی از پرونده‌هایی که محرمانه‌تر بود، به جای امن برده شد و برخی دیگر به انضمام آنچه که کینگ قبل از مراجعت‌اش به انگلستان به استاکیل داده بود منهدم گردید.

بدیهی است برای من غیرممکن بود قبل از مهور شدن اداره کلیه اسناد را انتقال داده و یا منهدم سازم. ولی آنچه را که به نظر بیشتر احتمال داشت، با انضمام آنچه را کینگ پیش از بازگشت به انگلستان شخصاً به من داده به جای امن انتقال داده و با از بین بردن. شرح مفصل باست فرستاده می‌شود.»

سند فوق بموجب اعتراف صریح مستر استاکیل ثابت می‌نماید که قسمت اعظم و مهم اسناد و مدارک به جای امن دیگری منتقل شده و با منهدم گردیده است. مستر استاکیل بموجب سند فوق و گزارش ذیل تحت تعقیب قانونی قرار گرفته است: ریاست دادرسی شهرستان تهران

تعقیب مأموریت محوله و دستور مقام ریاست وزراء که از طریق شهربانی به این جانب ابلاغ گردید، در بازرسی منزل آقای سدان - نماینده شرکت سابق نفت - ضمن اوراق و اسناد متعددی که بدست آمد و حاکی از این بود که شرکت سابق نفت از طریق اداره منحل اطلاعات، مداخلات بیموردی در امور سیاسی می‌نماید. سندی بدست آمده که بموجب آن آقای فیلیپ استاکیل رئیس سابق اداره منحل اطلاعات، مبادرت بسوزاندن و مخفی کردن مقداری از اسناد شرکت سابق نفت کرده است و چون از تاریخ تصویب قانون ملی شدن نفت در سراسر کشور ادارات و اسناد شرکت سابق در حکم ادارات و اسناد دولتی است، ازین بردن اسناد مذکور طبق قانون مجازات عمومی جرم می‌باشد و با تقدیم یک برگ رونوشت سند مذکور که به خط خود استاکیل نامبرده است، مراتب را جهت تعقیب جزایی و هر نوع اقدام مقتضی اعلام می‌دارد. رونوشت این شرح تعقیب، به دستور مقام ریاست وزراء تقدیم معظم له گردید. دادیار دادرسی تهران.»

در هر حال اسناد و مدارک موجود تحت نظر کمیسیون مختلطی که بنابه دعوت

این جانب تشکیل گردید، جریان رسیدگی خود را طی می نماید. لیکن این جانب از مجلس تقاضا دارم، کمیسیون از نمایندگان محترم هر چه زودتر انتخاب نمایند، تا به همراهی چند نفر از نمایندگان سنا که انتخاب خواهند شد و با حضور نماینده دولت و دادستان کل به این کار رسیدگی نمایند و تکلیف اسناد و مدارک مزبور را بطور منجز تعیین نمایند و دولت منویات و تصمیمات کمیسیون مزبور را محترم شمرده بموقع اجرا خواهد گذاشت.

دکتر محمد مصدق

اسلامی - احسنت، بسیار عمل صحیحی بوده است.

جواد عامری - اجازه می فرمایید، بنده اخطار دارم.

نایب رئیس - اعلام رأی شده است؛ اخطار حالا مورد ندارد.

چند نفر از نمایندگان - آقای عامری بفرمایید...

نایب رئیس - اجازه باینده است؛ چرا آقایان دخالت می کنند؟...

بعضی از نمایندگان - اعلام رأی هم شده است، صحبت حالا مورد ندارد.

عامری - عرض بنده اخطار قانونی است و مربوط به همین موضوع و همین

رأی است.

نایب رئیس - اخطار دارید بفرمایید...

عامری - بنده مختصر عرض می کنم، متأسفانه چهل و شش هفت سال از عمر

مشروطیت ایران گذشته هنوز که هنوز است با اینکه قانون اساسی و قوانین بعدی

بنام معنی سعی کرده اند اصل تفکیک قوا در ایران رعایت شود، بهیچوجه من الوجوه

رعایت نمی شود؛ ملاحظه بفرمایید علماء دو قسمتند در تفکیک قوا، و دو عقیده

دارند. بعضی می گویند دو قوه بیشتر در کشور نباید وجود داشته باشد؛ یکی مقننه و یکی

قوه مجریه. استدلالشان هم این است که قوه قضاییه را می گویند جزء قوه مجریه

است. قوه مقننه قوانین را وضع می کند؛ قوه قضاییه هم مثل قوه مجریه آن قوانین

را بموقع اجرا می گذارد. پس می گویند سه قوه معنی ندارد، همان در قوه منته و مجریه کافی است؛ بعضی از علماء می گویند قوای مملکت باید سه قوه مستقل باشد، یعنی به قوه قضایه هم استقلال می دادند، برای اینکه قوه مجریه نتواند اعمال نفوذ در قوه قضایه بکند که اصل استقلال قضات بکلی دست نخورده باقی بماند. قانون اساسی ما هم از عقیده این دسته دوم تبعیت کرده و قوای کشور را به سه قسمت تقسیم کرده است. الآن همین عمل که واقع شده است، بنده حق می دهم به آقایان دقای مجلس که آمدند، پیشنهاد کردند، گفتند که حتماً باید رسیدگی شود؛ چرا از روی عصبانیت بود؟ وقتی بود که يك انتشاراتی پیدا شده بود، می گویند که:

تکس باغلامان یکی راز گفت	که این را نباید به کس باز گفت
به سالی نیامد ز دل بر زبان	به يك روز شد منتشر در جهان
بفرمود جلاد را بیدریغ	که بردار سرهای اینان به تیغ
یکی زان میان گفتوز نهار خواست	مکش بنده کاین گنه از تو خواست
تراول نبستی که سر چشمه بود	چو سیلاب شد پیش بستن چه سود؟

آمدند برخلاف تمام قوانین، برخلاف اصول يك چیزی را منتشر کردند. و خلاف قوانین اساسی ایران که چهار چیز را مصون و محفوظ داشته، می گوید جان و مال و مسکن و شرف هر فردی محفوظ است (صحیح است) بنده بنظر می آید که شرف مردم در این قضیه محفوظ نشده است؛ برای اینکه اعمالی را که مردم مرتکب می شوند دو صورت دارد، با اعمالی است که قوانین کشور منعش کرده، با اعمالی است که منعش نکرده؛ اگر منع کرده مجازات دارد؛ اگر منع نکرده برای هر کس است، از روز اول اگر يك همچو چیزی هست؛ اگر این اعمال جرم است و قانون مجازاتی برایش معین کرده، دیگر دخالت هیچیک از قوای ما معنی نداشته است؛ حالا بنده يك قدم هم آن سوتر می گذارم، می گویم که قوانین جزایی با قوانین اخلاقی توأم است؛ ولی قوانین اخلاقی گاهی دامنه اش وسیعتر است و گاهی دامنه قوانین جزایی وسیعتر می شود؛ مثلاً می گوید از نقطه نظر نظامات عمومی هر کس

طفلی ازش متولد شد، فوراً اعلام کند، اگر هم نکرد مجازات دارد؛ این از نظر مجازات عمومی است ولی اخلاقاً همینکه طفلی از بنده متولد شد ملزم نیستم بروم بگویم؛ این اخلاقی است؛ بنابراین قوانین جزا گاهی حدودش وسیعتر از اخلاق می‌شود، گاهی کمتر می‌شود، ولی اگر...

نایب رئیس - جناب آقای عامری این موضوع اختطار قانونی نیست.

چند نفر از نمایندگان - بگذارید حرفشان را تمام کنند.

اسلامی - حالا که اجازه فرمودید بگذارید صحبت کنند.

نایب رئیس - بفرمایید...

عامری - شما اگر يك همسایه‌ای داشته باشید که بدبخت و بیچاره و پریشان باشد و در حال نزاع باشد و دارد جان می‌کند، شما وقتی که می‌بینید او دارد می‌میرد و پول ندارد که بدهد برایش طیب بیاورند، اخلاق ایجاب می‌کند که شما برای او طیب بیاورید؛ ولی اگر نکردید قوانین جزا مجازاتی برایش معین نکرده؛ بنابراین تا این حد هم قابل قبول است که اگر يك اعمالی می‌شود که قانون مجازات تعیین نکرده، ولی اخلاقاً باید بشود؛ این را هم ما مذمت نمی‌کنیم؛ اما این کاری که ما بیاییم بک چیزی که به حیثیت مردم برمی‌خورد و قانون جزا هم منعش نکرده است...

فراءری - جاسوسی و خیانت به مملکت را منع نکرده است؟...

عامری - چرا جاسوسی و خیانت و دزدی و رشوه‌خواری... تمام اینها عناوین خاصی در قانون مجازات دارد، نظر من هم همین است؛ من می‌گویم این اوراق پرود دست دادستان رسیدگی بکنند؛ وقتی که رسیدگی کرد هر کدام آنها را دید با جاسوس است، یا خیانت است؛ دزدی است؛ رشوه است؛ تمام اینها جرم است و می‌رود به محاکم مربوطه... آقا مجلس شورای ملی که قزوئ مقننه است نباید در کار قزوئ قضاییه دخالت کند؛ اینکه می‌گوید مجلس شورای ملی نظارت نام دارد، هیچ‌جا در قوانین ما ذکر از اینکه مجلس شورای ملی نظارت دارد، ندارد.

این اصل از کجا پیدا شده است؟... این اصل ناشی از اصل مسؤولیت وزرا در مقابل مجلس است قانون اساسی ما، وزرا را در مقابل مجلس شورای ملی مسؤول دانسته. (اسلامی - حق نظارت نمایندگان در قانون اساسی ماده صریح دارد) در ماده ای صراحتاً نیست؛ در جایی نیست؛ ولی قانون اساسی صراحتاً می گوید که وزرا در مقابل و کلاً مسؤول هستند...

نایب رئیس - شما راجع به چه ماده ای اخطار دارید می کنید؟... اینها که مربوط به اخطار نیست.

بعضی از نمایندگان - اجازه فرمایید...

نایب رئیس - بنده آیین نامه را باید اجرا کنم، ایشان فرمودند اخطار قانونی دارم؛ این مطالب که می گوئید مورد ندارد؛ بنده باید آیین نامه را اجرا کنم. خوب بود قبل از دستور اجازه می خواستید؛ تشریف می آوردید؛ صحبت می کردید. الان ده دقیقه است که آقا دارید صحبت می کنید.

عامری - عرایض بنده خیلی مختصر است؛ چند کلمه دیگر بیشتر نیست؛ اجازه فرمایید...

نایب رئیس - فرمایید...

عامری - عرض کنم راجع به همین کمیسیون است؛ فرض کنیم که این نظارت و تفتیش دایم مجلس شورای ملی نسبت به تمام اعمال دولت ناشی از اصل مسؤولیت وزراست، در مقابل مجلس؛ این اصل تفتیش و نظارت مجلس راهبایی دارد؛ این راهبایش را الان بنده خدمتتان عرض می کنم. یکی سؤال است؛ یکی استیضاح است؛ در امور مالی هم که شما نظارت نام دارید، دیوان محاسباتی است که اعضایش را ما معین می کنیم و بعد هم بودجه سالیانه است؛ یکی هم در امور سیاسی مملکت است؛ در امر سیاسی مملکت دولتها برنامه هایشان را بیاورند و صحبت می شود؛ روی سیاست داخلی و خارجی مذاکره می شود؛ بعد تصویب می شود... این راهم اکتفا نمی کنند. در هر کجای دنیا معمول است که آخر سال سیاست دولت را بصورت

کتابی درمی آورد که در فرانسۀ کتاب زرد، در انگلستان کتاب آبی، در هرمانکت یک رسمی برایش گذاشته اند؛ اما چون مجلس شورای ملی در تمام کارهای دولت نظارت دارد، یک راه دیگری هم هست که آیین نامه مجلس تثبیت کرده و آن این است که برای هر امری که لازم می داند کمیسیونهایی خودش تعیین می کند. بنابراین ملاحظه می فرمایید که اگر اصل تفکیک قوا را ما رعایت نکنیم، باید تمام این اوراق برود پیش مدعیان عمومی مربوطه و آنها رسیدگی کنند. آنچه جرم است بایستی بفرستند به محکمه مربوطه و رسیدگی و تعقیب بشود. اگر جرم نیست که مجلس شورای ملی روی اختیار و نظارتی که دارد اگر می خواهد می تواند کمیسویی را معین بکند و آن کمیسیون می تواند معین کند که آن امری هم که جرم قانونی نیست و اخلاقی است، این را هم انتشار بدهند؛ این بستگی دارد به اختیار مجلس شورای ملی و نظری که مجلس شورای ملی بدهد.

جمال امامی - بی لطفی فرمودید؛ قضایا را به هم مخلوط کردید؛ ما به جریبان اداریش کاری نداریم؛ ما گفتیم اینها مصون بمانند.

عامریه - خود مجلس شورای ملی هر کمیسویی می خواهد تعیین بکند.

نایب رئیس - پیشنهاد جناب آقای جمال امامی قرائت می شود. (به شرح زیر

قرائت شد):

ریاست محترم مجلس شورای ملی

مجلس شورای ملی در تأیید عمل جناب آقای نخست وزیر، مبنی بر دعوت ۶ نفر از نمایندگان هر یک از مجلسین و دادستان کل برای نظارت در تحقیق راجع به مدارکی که از شرکت سابق نفت بدست آمده است، ماده واحده زیر را تصویب می نماید:

ماده واحده - اسناد و مدارکی که از شرکت سابق نفت بدست آمده است،

باید کلاً در اختیار کمیسیون منتخب از طرف آقای نخست وزیر، مرکب از دادستان

کل و ۶ نفر از نمایندگان مجلسین قرار گیرد؛ و دادستان کل مکلف است (صدرزاده -

مدت راهم معین فرمایید... (جمال امامی - بکماه) ظرف بکماه و با حضور هیأت مزبور به اسناد مکشوفه مراجعه و آنچه منطبق با قانون مجازات عمومی است بوسیله دادباران دیوان کشور که در این مورد کلیه اختیارات قضات تحقیق را دارند، به محاکم عمومی مراجعه نماید و آنچه جرم نیست دلیل ارتباط نامشروع ایرانیان با شرکت سابق نفت است بوسیله وزیر دادگستری در جلسه علنی مجلس شورای ملی اعلام خواهد شد.

آزاد - من مخالفم.

نایب رئیس - موافق و مخالف صحبت کرده اعلام رأی هم از طرف مقام ریاست در جلسه قبل شده؛ آقایانی که موافقند قیام کنند (اغلب برخاستند). تصویب شد. پیشنهادات دیگر قرائت می شود و چون عده ای از آقایان پیشنهادشان را خواستند مسترد کنند، استدعا می کنم فوراً استرداد بفرمایند، نه بعد از صحبت. پیشنهاد دوم هم از آقای جمال امامی است که پس گرفته اند؛ پیشنهاد بعد، از آقای معدل است که قرائت می شود. (پیشنهاد آقای معدل به شرح زیر قرائت شد):

«پیشنهاد می کنم ماده واحده زیر به جای موضوع مطروحه گذاشته شود.

ماده واحده - دولت مکلف است کلیه اوراق و اسنادی که در شعب شرکت سابق نفت پیدا شده زیر نظر مأمورین صلاحیتدار قضایی و انتظامی حفظ و در دادگاههای صلاحیتدار خارج از نوبت رسیدگی نماید. معدل»

نبوی - آن پیشنهاد که تصویب شد، دیگر پیشنهادات برخلاف آن را نمی شود مطرح کرد.

نایب رئیس - آقای معدل پس گرفتید؟... (معدل - نه خیر، پس نگرفتم) بفرمایید... معدل شیرازی - اولاً این را حضورتان عرض کنم که وقتی این لایحه مطرح است خود ما نمایندگان می دانیم که بعنوان پیشنهاد، مطالبمان را می آیم اظهار می کنیم و هیچکدام هم نباید حق دیگری را ضایع کنیم؛ بنده تعجب می کنم که چرا هر کدام ما که عقیده ای داریم به جای اینکه در اثبات نظر خودمان بکوشیم در

نفی نظر طرف بیشتر اصرار می کنیم و غافل از این مطلب هستیم که ما را که جمع کرده اند، در این مجلس، برای این است که از اثبات و نفی مطالبی که گفته می شود، مردم چیز بفهمند و ملت ایران به حقیقت و کنه قضایا آشنا شود؛ ولی ماسعی می کنیم که هر موضوعی که اینجا مطرح می شود، روی تعصب بیاوریم آن قضیه را و بخواهیم آن مطلب را از نظر اینکه مردم به کنه آن مطلب آشنا شوند، استدلال کنیم؛ یک روز آقای فرامرزی و امروز آقای عامری، هر دو آقایان بسیار خوب راجع به تفکیک قوا بحث کردند؛ بنده با این نظری که جناب آقای جمال امامی دارند و مجلس هم رأی داده آن، نه مخالف هستم و نه پس از تصویب، عذرانی دارد که مخالفت بکنم؛ ولی تعجب دارم که چرا هر وقت يك مشت بدکار را تعقیب می کنند ما که مجلس هستیم سینه مان را سپر می کنیم... این چه عنوانی است که يك همچو جریان پیش می آید؛ اگر فرض باشد که يك مشت بدکاری وجود دارد، چرا مجلس همان ساعت قانون مخصوص برایش بگذرانند؟... من می گویم درباره آن اشخاص که نامشان در بند (ج) بود، در بند (د) بود، آنقدری که این مجلس بد کرد دیگران بد نکردند، برای اینکه اگر تعقیب می کردند، شاید مردمی بودند که در باره آنها اشتباه شده بود. خوب بود می گذاشتند تا این حقایق کشف بشود و این اشخاص پاک و طاهر بیرون بیایند. اگر کسی را آلوده کرده باشند با قانون آلودگی اوزمیان نمی رود؛ آقایان، مللی که زنده مانده اند و بردنیا حکومت می کنند مردم دیگری هستند؛ در فزانه زنهایی که با آلمانیها صحبت کرده بودند، سر او را تراشیدند و در کوچه و بازار گردانیدند. اگر می خواهید ملتی باقی بماند؛ اگر می خواهید مملکتی باقی بماند؛ باید بدکارها را مجازات کنید. آقایان این راه نیست که ما می رویم. دولتی وجود دارد توجه بفرماید دولتی وجود دارد که اکثریت نزدیک با اتفاق مجلس به تبعیت از افکار عمومی به آن رأی داده و ما به او علاقه و ایمان داریم. دو نفر، پنج نفر نمی توانند انکار حقیقت را بکنند. دولت باید برود و تعقیب بدکارها را بکند. و و کلاهم هر جا دیدند که دولت پایش را از خط بیرون می گذارد، بقیه اش را بگیرند

و اورا زمین بزنند؛ والا هر ساعت سنگ جلوی پای او گذاشتن و کارشکنی کردن یعنی سست کردن در مقابل مبارزهای که در پیش دارد؛ کار آدم حساسی نیست و پیشنهادم را هم پس می گیرم... (احسنت...) (در این موقع عده ای از تماشاچیان با کفزدن اظهار احساسات کردند).

نایب رئیس - دستور بدهید آقایان را فوراً مطابق آیین نامه خارج کنند.
از باب - صرف نظر بفرمائید.

فرامرزی - در این دوره این کار را نکنید؛ بگذارید برای دوره هفدهم. این دوره معمول شده است.

اسلامی - آیین نامه گفته است افراد بطور اجماع را ساکت است.

نایب رئیس - آیین نامه باید اجرا شود.

بعضی از نمایندگان - تنفس بدهید...

نایب رئیس - چون عده برای مذاکره کافی نیست، با اجازه آقایان چند دقیقه تنفس داده می شود. (یک ربع قبل از ظهر جلسه بعنوان تنفس تعطیل و دیگر تشکیل نشد.)

نایب رئیس مجلس شورای ملی - نورالدین امامی

تظاهرات مردم، جلسه ۱۴۷

در پایان جلسه پیشین مجلس شورای ملی یعنی پس از سخنان معدل شیرازی گروهی از تماشاچیان شدت ابراز احساسات کردند و چنانکه دیدیم - نایب رئیس مجلس دستور داد که همه آنها را از مجلس خارج کنند، ولی با وساطت چند تن از وکلای از جمله فرامرزی و اسلامی - و اعلام تنفس، موضوع تقریباً منتفی شد.

اما به دنبال این ابراز احساسات، تظاهرات دیگری در میدان بهارستان و محوطه

مقابل مجلس ترتیب یافت که طی آن شرکت کنندگان ضمن تأیید نمایندگان مورد نظر خویش، تنی چند از وکلای دیگر را مورد اهانت قرار دادند.

درجاسه بعد (نشست شماره ۱۶۷) هنگامی که نازه نمایندگان در کرسیهای خود جای گرفته بودند، همین تظاهرات با شدت و حدت بیشتری، در برابر مجلس و ضلع شرقی میدان بهارستان تکرار شد؛ به همین جهت مذاکرات و گفت و شنودهای مختصر این جلسه به بحث درباره همین مسأله اختصاص یافت که طبعاً دنباله گفتگو درباره اسناد و مدارک مکشوفه و مورد بحث این کتاب بود.

در این جلسه - که به کوتاهی برگزار شد - فقط جمال امامی نسبتاً به تفصیل صحبت کرد که از طرف نورالدین امامی نایب رئیس بهوی پاسخ داده شد؛ ولی دنباله این بحث و مناظره - که تظاهرات خارجی باعث ناتمام ماندن آن شد - به جلسه بعدی نیز کشیده شد که شرح آن خواهد آمد. آنچه در زیر می آید، اظهارات جمال امامی و پاسخ نایب رئیس مجلس در جلسه ۱۶۷ مجلس شورای ملی و درباره تظاهرات مردم، در داخل و خارج مجلس است:

جمال امامی - بنده تمام مواد نظامنامه در خاطر من نیست، ولی عرض کردم که طبق ماده ۹۰ و هم طبق تمام موادی که مصونیت نمایندگان را باید حفظ بکند بنده اخطار دارم؛ عرض کنم که پریروزیس از آنکه حسب الامر جناب آقای دکتر مصدق نخست وزیر ما آن کمیسیون را برای رسیدگی به اسناد انتخاب کردیم؛ به پیشنهاد من مجلس شورای ملی رأی داد. آقای معدل نماینده محترم تشریف آوردند اینجا يك بیاناتی فرمودند که این بیانات در صورت جلسه هست، ما چه کار کردیم؟... جناب آقای نخست وزیر نامه ای مرقوم فرموده بودند خطاب به مجلس شورای ملی، به این مضمون که چون وقتی که آن طرح را نمایندگان داده بودند و سه فوریتش تصویب شد، من فرصت نکردم که به مجلس مراجعه کنم و کمیونی معین کنیم؛ بنابراین شش نفر از نمایندگان را خودم دعوت کردم. حالا خودتان کمیسیون معین بفرمایید. ما چه کردیم؟... ما آمدیم گفتیم برای حفظ

احترام آقای نخست وزیر ما همان‌ها نفر را معین می‌کنیم. مگر غیر از این کردیم؟... همانی بود که آقای نخست وزیر گفته بود. مجلس شورای ملی هم تسلیم رأی ایشان شد. گفتیم به احترام ایشان ما همانها را انتخاب می‌کنیم (صحیح است) خوب آقای معدل آمدند اینجا؛ فرمودند شما سنگ جلوی پای دولت می‌اندازید؛ شما کارشکنی می‌کنید... با تصویب این طرح نفهمیدم کجایش کارشکنی بود. من در خارج از نماینده‌ای پرسیدم: آقای معدل چه فرمودند؟... گفتند: ما نفهمیدیم و عجب اینجاست که فرمایشات این نماینده محترم خوش الحان فارس را فارسیها نفهمیدند، ولی دو نفر از نمایندگان آذربایجانی فهمیده‌اند؟ چون دیدم به ایشان تبریک می‌گفتند؛ آقای کشاورز صدر هم می‌بوسیدش. کجاست آقای کشاورز صدر؟... خوب اگر بوسه‌اش سبیل نبود، من هم می‌بوسیدمش. چون بوسه‌اش سبیل است، من هم چیزی که سبیل است دوست ندارم. عرض کنم يك عده‌ای از تماشاچیها دست زدند؛ آقای نخست وزیر، نفهمیدم این را بر لبه شما دست زدند یا بر علیه شما؟... چون که ما فرمایش شما را آقای نخست وزیر اطاعت کردیم، و فرموده شما رأی دادیم؛ دست زدن اگر بر علیه شما بود من توی خشان می‌کنم؛ از این گذشته ما چندین دفعه گفته‌ایم که در مجلس شورای ملی تظاهر له و علیه نباشد (صحیح است) اولین شرط آزادی عمل نماینده این است که از طرف تماشاچیها و روزنامه‌ها مصون باشد. بنده چند دفعه گفتم که اینجا را مبدل به گورد زورخانه نکنید. وقتی که کردید هیچکدام مصونیت نداریم. امروز عده‌ای از طرف شما می‌آیند جلوی مجلس، باز فردا از طرف من می‌آیند جلوی مجلس... باز شنیدم که آقای رئیس مجلس می‌فرماید اخطار من مورد ندارد. شما حافظ نظم مجلس هستید، جلوی مجلس باز نسبت به چند نفر نماینده توهین کرده بودند؛ من که بیرون آمدم دست زدند و هورا کشیدند. من گفتم نه دست بزنید و نه مرده باد بگویید. اینکه مانعی ندارد. اگر آقای رئیس مجلس نمی‌توانند جلوی گیری از این اعمال بکنند، باید بفرمایند نماینده نباید مجلس، و اگر نیاید با عده‌ای بیاید. ما من بعد این را قبول

نخواهیم کرد، آقای رئیس مجلس من اخطاری کنم که بعد از این اگر این عمل تکرار شود، من هم عده‌ای را خوارم آورد و مسؤولیت نتایج وخیم این امر به گردن دولت و رئیس مجلس است.

شوشری - همه می آوریم.

نایب رئیس - متأسفانه این مطلبی که طرح فرمودند سابقه پیدا کرده و جلسه ما قبل هم اینطور بوده و من خواهش می کنم از آقایان که خودداری نکنند و دستجاتی نیاورند و بگذارند مجلس کار خودش را بکند و فرمودند که جلوی مجلس یک تظاهراتی کردند، ولی بر علیه کسی نشنیدم تظاهری شده باشد؛ خوشبختانه بطوری که شنیدم بر له «آقا» بوده. الان هم آقای شوشری فرمودند، البته تعقیب می کنم و به آقای مدیر کل بازرسی دستور می دهم که مراقبت کنند این کارها نشود.

در این هنگام چون عده حاضرین کافی بود، صورت مذاکرات جلسه هیجدهم تیرماه مطرح شد و بتصویب رسید. بررسی نهایی و تصویب مادهٔ واحده در مورد اسناد به جلسه بعد موکول شد.

تصویب مادهٔ واحده، جلسهٔ ۱۶۹

روز یکشنبه بیستوسوم تیرماه ۱۳۳۰ جلسهٔ علنی مجلس شورای ملی (شمارهٔ ۱۶۹) تشکیل شد.

چنانکه در جلسات پیشین نیز عنوان شده بود، بایستی در این جلسه تصمیم نهایی در بارهٔ اسناد و مدارک مکشوفه اتخاذ می شد و مادهٔ واحده مورد بحث بتصویب می رسید.

در این زمان تظاهرات مردم در برابر مجلس شورای ملی بشدت اوج گرفته بود و این تظاهرات در تأیید دولت و حمله به نمایندگان مخالف می رفت که صورت